

# فضایل و احکام مکّه مکرمه

با اهتمام:

دانشکده دعوت و اصول الدین

دانشگاه أم القرى در مکّه مکرمه

ترجمه: إسحاق بن عبدالله العوضي

۱۳۸۵/۱۴۲۷ هـ

## فهرست مطالب

ص	عنوان
۶	مقدمه
۱۱	پیشگفتار
۱۱	اسمهای آن، حدود آن، آغاز پیدایش
۱۱	۱- اسمهای آن
۱۳	۲- حدود حرم
۱۴	۳- آغاز ساخت حرم و کعبه معظم
۲۴	<b>فصل اول:</b> فضائل مکه و برخی از احکام آن
۲۴	۱- حرمت مکه شهر مبارک خداوند
۲۸	۲- سوگند خداوند به مکه در قرآن
۲۹	۳- دعای ابراهیم خلیل؛ برای مکه و اهل آن
۳۲	۴- محبوبترین شهرها نزد خداوند
۳۳	۵- دجال وارد مکه نمی‌گردد
۳۵	۶- مرجع ایمان
۳۵	۷- چندین برابر بودن پاداش نماز در مسجدالحرام
۳۸	۸- تحریم ظلم و ارتداد در حرم (مکه)
۴۲	۹- تحریم قتال و خون ریزی در مکه و آزار ساکنان آن
۴۷	۱۰- تحریم دخول کفار و مشرکین به مکه
۴۸	۱۱- تحریم شکار و قطع درخت و برداشتن اشیاء و گم شده در حرم

ص	عنوان
۵۰	الف: تحریم رهیدن و کشتن شکار در مکه
۵۳	ب: قطع درخت و خار و کندن و چیدن آن
۵۵	ج: تحریم برداشتن یافته حرم مگر به قصد شناسایی و نگه داشتن آن
۵۸	۱۲ - حکم ورود به مکه بدون احرام
۶۰	<b>فصل دوم:</b> مکان‌های بزرگ و با شکوه مکه مکرمه
۶۰	۱ - کعبه و برخی از احکام آن
۶۲	الف: طواف به دور کعبه
۶۵	ب: کعبه قبله زنده‌ها و اموات مسلمانان است
۶۷	ج: نهی از روی و پشت نمودن به قبله در هنگام قضای حاجت
۶۹	د: استحباب نماز در داخل کعبه برای کسی که برایش میسر گردد
۷۰	هـ: پایان و آخر کعبه
۷۱	۲ - حَجْرُ الْأَسْوَد
۷۱	الف: حَجْرُ الْأَسْوَد از بهشت است:
۷۲	ب: حجرالأسود بوسیده و لمس می‌گردد و بر او سجده برده می‌شود
۷۵	ج: مسح بر حَجْرُ الْأَسْوَد گناهان را می‌زداید
۷۶	د: هر کس حجرالاسود را با رعایت حقوق دیگران لمس نماید روز قیامت برای او شهادت و گواهی می‌دهد
۷۷	هـ: برای طائف سنت است هر بار که از کنار حجرالأسود بگذرد تکبیر گوید
۷۸	۳ - رکن یمانی کعبه

ص	عنوان
۷۸	۴ - ملتزم
۸۰	۵ - حجّر
۸۲	۶ - مقام ابراهیم
۸۴	ألف: - خداوند برای کسی که طواف بیت الحرام نماید دستور داده است تا آنرا به مصلى اتخاذ نماید
۸۷	ب: مقام ابراهیم ؛ مکان دعوت و اعلان ابراهیم به حج است:
۸۸	۷ - زمزم
۸۹	الف: شستن سینه پیامبر ﷺ با آب زمزم
۹۰	ب: آب زمزم خوراک لذیذ و شفای بیماری است
۹۲	ج: آب زمزم بهترین آب و چاه آن بهترین چاهها
۹۲	د: مشروعیت (تضلع) پرکردن شکم از آن و سیراب گشتن از آب زمزم
۹۳	۸ - عرفات، منی، مزدلفه
۱۰۰	<b>فصل سوم:</b> تجلیل (البلد الحرام) شهر مبارک میان مشروع و ممنوع
۱۱۷	خاتمه

## مقدمه

حمد و ستایش مختص ذات خداوند است، پروردگار ما هر آنچه که بخواهد خلق نماید و برمی‌گزیند، و هر چیز نزد او به میزان معینی است. درود و سلام بر پیامبر برگزیده و منتخب، پیامبر ما محمد و بر آل و یاران نیکوکار او و بر پیروان راستین آنها تا هنگامیکه شب و روز یکدیگر تعقیب می‌نمایند. اما بعد:

دانشکده‌ی دعوت و اصول الدین دانشگاه ام القری در مکه‌ی مکرمه با ایمان به رسالت والای خود و با آگاهی از حق امت در ضرورت تکلیف راهنمایی و راهنمایی بر آن، به ویژه اینکه خداوند آنرا در مقدس‌ترین نقطه و پاک‌ترین شهر، و در سرچشمه‌ی رسالت و محل فرود وحی، مرکز تابش و پرتوافکنی هدایت و نور به اطراف جهان متمایز ساخته است که این پایگاه با شکوه و رفیع علمی (ام القری) آنرا سامان و انتظام بخشد، و خداوند توفیق را نصیب فرمود تا این که دانشکده در حدود توان علمی و فرهنگی خود به انتشار سلسله رساله‌هایی هدفمند علمی که در پی رفع نیازها و معالجه کمبودهای امت و برخی ذهن‌ها نسبت به روش کتاب و سنت و درک سلف، اقدام نماید.

و آنچه که فرزندگان و فعالان دانشکده برای امسال ۱۴۲۳هـ به آن توجه و عنایت مبذول داشته‌اند انتشار تعدادی رساله در میان آن سلسله‌های هدف‌مند می‌باشد که با موافقت جناب وزیر آموزش عالی در تلگراف با شماره ۵۶۸۹ در مورخه ۱۴۲۳/۷/۴هـ مفتخر گردید و در میان این فرآوردهای پربرکت این رساله حاضر تحت عنوان **(البلد الحرام ... فضائل واحکام)** که دومین رساله از این سلسله می‌باشد و موضوع آن از شرافت مکانی که خداوند شهر مبارک خود را به آن متمایز ساخته است و از رفعت جایگاهی سرچشمه می‌گیرد که خداوند در میان سایر شهرها به علت شرافت آن، آنرا دوست می‌دارد، با این وجود برخی مردم به علت عدم درک حرمت این بیت و یا غفلت از احکام آن و یا کوتاهی کردن در تجلیل و تقدیس شایسته آن حرمت این جایگاه و ادای وظیفه خود در قبال این بیت مبارک رعایت نمی‌کنند، و اعمال و کرداری از آنها به وقوع می‌پیوندد که با این جایگاه و قداست آن تناسب ندارد، و غافل شده‌اند از اینکه تجلیل این بیت از مراسم و مناسب‌خدایی است که جز از تقوای دلها صادر نمی‌گردد، و کسی که به تجلل آن پردازد چون تجلیل آن تابع تجلل‌خدایی است و گواهی است بر تقوای او و صحت ایمان وی و خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمَ شَعْبِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى

این است (مناسک حج)! و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

و در مقابل این گروه دسته‌ای دیگر که برای اولین بار به این بارگاه مبارک قدم نهاده‌اند و با رسیدن به این بارگاه پربرکت درونشان سرشار از حب و شوق و شادی گشته و از شدت شوق در پوست خود نمی‌گنجند و با این حال آگاهی چندانی با احکام دین ندارند و به تجلیل از چیزهایی می‌پردازند که خدا و رسول او آنرا تجلیل و تقدیس ننموده‌اند، و تلاش و سعی فراوانی با صرف هزینه‌های صعود از کوهها و صخره‌های بلندی متحمل می‌شوند، و چه بسا به نابودی آنان بینجامد و به جستجوی آثار قدیمی و جویای غارها و جمع‌آوری ریگ‌ها و خاک و مسح صخره‌ها و سنگ‌ها می‌پردازند، به گمان اینکه این عمل تجلیل از شهر مبارک است، اگر به جای پرداختن به چنین کارهایی این وقت نفیس و با ارزش را در تجلیل آنچه که خداوند به تجلیل آن امر فرموده است، و یا به نماز در مسجد الحرام و تلاوت قرآن می‌پرداخت، برای وی مفیدتر و برای دنیا و آخرت وی سزاوارتر و مثمرتر خواهد بود.

لذا به این نتیجه رسیدیم که تبیین فضائل این شهر مبارک و احکام خاص آن و توضیح صورت شرعی تجلیل مبتنی بر کتاب و سنت با عبارت مختصر

و اسلوب آسان و دوری از تفصیل و پیچیدگی و تکیه بر قول راجح علمای متخصص و حذر از جزئیاتی که ضروری نیست.

و چه کسی است سزاوار و شایسته‌تر به انجام این امر خطیر از (ام القری)؛ لذا گروهی از دانشمندان فرهیخته این دانشکده به جمع‌آوری مطالب علمی و دسته‌بندی این موضوع مبادرت نمودند تا اینکه رساله حاضر تدوین گشت و بعد از آن جهت بررسی و تصحیح بر گروه دیگری از دانشمندان برجسته عرضه گردید و جمعی از نیکوکاران خداوند آنان را پاداش و جزای خیر دهد و هزینه چاپ آنرا بر عهده گرفتند.

بس این رساله روشن‌بینی و یادآوری و دستور کاری است برای هر بنده نائب از کسانی که خداوند او را به سکونت در این شهر مبارک و مجاورت خانه قدیمی خود شرافت بخشیده است، و نیز کسانی که با قدم نهادن به این سرزمین مقدس مورد اکرام خداوند قرار گرفته است، **إِنْ نَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْنَا وَمَا تَوْفِيقُنَا إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْهِ نُنِيبُ.**

ما جز اصلاح - تا آنجا که توانایی داریم - نمی‌خواهیم! و توفیق ما، جز به خدا نیست! بر او توکل کردیم؛ و به سوی او باز می‌گردیم!

و از خداوند بزرگ و قادر خواهیم این عمل را محض رضایت خود قرار دهد، برای بندگانش سودمند گرداند، و هر که در نوشتن، یا تصحیح، چاپ، یا



هزینه آن و به هر طریقی که در آن سهم بوده است خداوند آنان را جزای نیک و اجر و ثواب را برایشان مضاعف نماید.

وصلی الله وسلم وبارک علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

دکتر عبدالله بن عمر الدمیجی

رئیس دانشکده‌ی دعوت و اصول دین

۸/۹/۱۴۲۳ ه.ق

مکه‌ی مکرمه - خداوند از آن محافظت نماید

برای ارتباط با مترجم می‌توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (۱۱۷۵۷) ص. پ: (۱۵۰۱۰۳)

150103 ( P.O.BOX

www.aqeedeh.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### پیشگفتار

#### شهر مکه (مبارک)

#### اسمهای آن. حدود آن. آغاز پیدایش

##### ۱- اسمهای آن:

شهر مبارکی که خداوند آنرا را مبارک و حرمت، مشرف و تقدیس نهاده است، به علت منزلت رفیع آن دارای نامهای فراوان است، از جمله نامهایی که در قرآن کریم ذکر شده است عبارتند از:

مکّه: مشهورترین نام آن است: خداوند می فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾. [فتح: ۲۴].

او خداوندی است که در درون مکه دست کافران را از شما، و دست شما را از آنها کوتاه کرد بعد از آنکه شما را بر آنها پیروز گردانیده بود، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

بکّه: یکی دیگر از نامهای شهر مکه است که قرآن می گوید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ

بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾. [آل عمران: ٩٦].

نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین بکه است، که پربرکت، و مایه هدایت جهانیان است.

أُمُّ الْقُرَى: نام دیگر آن ام القری است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ﴿٧﴾﴾. [شوری: ٧].

و این گونه قرآنی عربی ( فصیح و گویا) را بر تو وحی کردیم تا «ام‌القری» (مکه) و مردم پیرامون آن را انذار کنی و آنها را از روزی که همه خلاق در آن روز جمع می‌شوند و شک و تردید در آن نیست بترسانی؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان!

و به اتفاق مفسرین ام القری همان شهر مکه است و بدین نام خوانده شده است<sup>۱</sup> زیرا شریف‌تر و برتر از سایر شهرها، و نزد خدا و رسول خدا ﷺ محبوب‌تر است.

البلد الامین: از جمله نام‌های مکه بلد الامین است خداوند می‌فرماید:

﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾﴾. [التین: ١-٣].

قسم به انجیر و زیتون \* و سوگند به «طور سینین \* و قسم به این شهر امن (مکه).

و بلد (شهر) امین همان شهر مکه است بدون اختلاف میان مفسرین ...، و نام‌های فراوان دیگری که این شهر پر امن و امان به آن خوانده شده است<sup>۱</sup>.

## ۲ - حدود حرم:

به علت اهمیت این موضوع و احکام شرعی فراوانی که خداوند در رابطه با آن برای حرم خویش وضع نموده است تعیین حدود بیت الحرام به وحی الهی بوده است. پس جبرئیل فرود آمد تا به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بنیانگذار و سازنده کعبه حدود بیت الحرام را نشان دهد، و ابراهیم خلیل مرز و حدود حرم را وضع می‌نمود، و حدود حرم در زمان رسول خدا تجدید گردید رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در سال فتح مکه، اسد خزاعی را فرستاد تا حدود حرم را تعیین نمود. ابونعیم از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌نماید که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در سال فتح مکه اسد خزاعی را فرستاد تا نشانه‌های حرم را تجدید بنا کرد که ابراهیم آنرا با راهنمایی جبرئیل نهاده بود، ابن حجر گفته است که اسناد این حدیث حَسَن است<sup>۲</sup>.

۱- نگاه: شفاء الغرام ۴۸/۱، تفسیر ابن کثیر ۳۸۳/۱.

۲- اصابه ۱۸۳/۱.

و همینطور علامات حرم تا به امروز بر حسب نیاز تجدید می‌گردد.<sup>۱</sup>  
 امام نووی رحمته الله علیه می‌گوید: بدان که شناخت نشانه‌های حرم مهمترین چیزی است که می‌بایست به آن عنایت شود زیرا احکام فراوانی به آن تعلق بسته است.<sup>۲</sup>

### ۳ - آغاز ساخت حرم و کعبه معظمه:

موضوع آغاز ساخت کعبه معظمه و حرم و مناسک حج بنا بر آنچه که در قرآن وارد گشته است با ابراهیم خلیل الرحمن و پسرش اسماعیل علیهما السلام ارتباط دارد، حافظ ابن کثیر گفته است: (ظاهر قرآن اقتضاء می‌نماید که ابراهیم علیه السلام اولین کسی است که آنرا بنا و تأسیس نهاده است)<sup>۳</sup> گرچه نصوص وارده در این زمینه احتمال وجود ساخت آنرا قبل از ابراهیم علیه السلام نفی نمی‌نمایند. والله أعلم.

۱- و آخرین تجدید آن با صدور دستور عالی به ریاست جناب شیخ محمد بن عبدالله السبیل رئیس و مدیر کل اسبق امور آستان مسجد الحرام و مسجد النبی و امام و خطیب مسجد الحرام با تشکیل جلسه برای پرداختن به تعیین حدود حرم مکی در کوهها و دره‌های اطراف حرم انجام گرفت و گروه کارهای خود را به پایان رساند، و در اجرای قانون و دستور شروع به کار نمود و مرحله اول آن با تجدید پرچم و تابلوهای بر ورودی‌های مکه بزرگ به اتمام رسید.

۲- تهذیب الأسماء واللغات ۸۲/۳.

۳- البدایه و النهایه ۲/ ۲۷۷.

و اما در مورد ساختن کعبه و پرداختن ابراهیم به آن با یاری پسرش اسماعیل خداوند چنین می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقره: ۱۲۷].  
و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند، (و می‌گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی!

روایات صحیحی از پیامبر ﷺ در زمینه آغاز امر حرم و داستان ساختن آن وارد گشته است، بخاری در کتاب صحیح خود از سعید بن جبیر رضی الله عنه روایت می‌نماید که ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: اولین کمر بند (منطق) [با کسر میم و سکون نون و فتح طاء] که زنان اتخاذ نموده‌اند از طرف مادر اسماعیل بوده است، منطقی را اتخاذ نمود، که آثار و نشانه فرار کردن را از ساره گم کند (چون وقتی هاجر اسماعیل را دنیا آورد ساره بسیار ناراحت شد، سپس ابراهیم هاجر و پسرش اسماعیل [که شیر خواره بود] را به نزد بیت بالاتر از زمزم آورد. آن هنگام کسی در آنجا نبود و آبی نیز وجود نداشت و کیسه‌ای

۱- بقیه قصه چنین است: (و به خدا قسم خورد که اسماعیل را به سه قسمت قطع می‌نماید، اینجا بود که هاجر کمر بند بلندی را انتخاب کرد و اسماعیل را به کمر خود بست و فرار کرد و برای پنهان کردن راه فراری خود کمر بند به زمین کشیده می‌شد و نشانه راه را گم می‌کرد تا ساره آنان را پیدا نکند... تا آخر واقعه). مترجم

از خرما و مشک آبی کنار آنها گذاشت سپس ابراهیم روانه و رهسپار شد و هاجر (مادر اسماعیل) او را دنبال کرد و گفت: ای ابراهیم کجا می‌روی؟ و ما را در این درّه که نه انسان و نه چیزی در آن می‌باشد تنها می‌گذاری؟ چند بار سخن خود را به او گفت. ولی او به وی التفات نمی‌نمود، و بالأخره به ابراهیم گفت: آیا خداوند به تو دستور داده است؟ گفت: آری.

گفت: در این صورت مرا تباه نمی‌گرداند، سپس برگشت و ابراهیم رهسپار گردید تا اینکه به گردنه‌ای رسید جایی که از دیدگان پنهان شد و به بیت الحرام رو نمود و دستش را بلند کرد و با این کلمات خدایش را فراخواند و گفت: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾. [ابراهیم: ۳۷].

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را بجای آورند!

و مادر اسماعیل به شیر دادن اسماعیل پرداخت و از آن آب هم می‌نوشید تا اینکه آب مشک به پایان رسید و هر دو تشنه شدند، و به پسرش نگریست

که (از شدت تشنگی) بر خود می‌پیچید، از کراهت و ناراضی اینکه به وی بنگرد راه افتاد، کوه صفا نزدیکترین کوه به وی بود بالای آن رفت. سپس به درّه رو کرد تا بنگرد آیا کسی را می‌بیند؟ و هیچ کس را ندید، از کوه (صفا) پایین آمد، به درّه که رسید، لباس را جمع نمود، با تلاش طاقت فرسایی سعی نمود تا از درّه بگذرد، سپس به کوه مروه آمد و از آن بالا رفت تا نظاره کند که آیا کسی را می‌بیند، کسی را ندید، هفت بار این عمل (آمد و رفت از صفا به مروه و بالعکس) را انجام داد.

ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است (این است حکمت سعی مردم میان دو کوه) وقتی که بر کوه مروه صعود کرد صدایی را شنید به خود گفت: ساکت شو، دوباره آنرا شنید، و گفت اگر مدد (آب و نانی) با خودداری صدایت را شنیدم، به سمت صدا رفت، در مکان زمزم با فرشته‌ای روبرو گردید، فرشته با عقب خود، - یا گفت: با بال خود - به (زمین زد) تا اینکه آب نمایان و ظاهر گشت، و با دستان خویش برای آن آبرگیری درست کرد، و آب را در مشک خویش می‌ریخت و بعد از آنکه در مشک ریخت آب فوران و بالا می‌آمد. ابن عباس رضی الله عنهما گفته است که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: خداوند مادر اسماعیل را بیامرزد اگر زمزم را آزاد می‌گذاشت (و آبرگیر نمی‌ساخت و با مشت پر نمی‌کرد) زمزم چشمه روان و پرآبی می‌بود،



می‌گوید: مادر اسماعیل آب را نوشید و بچهاش را شیر داد و فرشته به وی گفت: هراس هلاک شدن را نداشته باشید، در این مکان این پسر و پدر او خانه خدا را بناء می‌نمایند و خداوند اهل خویش را هلاک نمی‌گرداند، و بیت همچون تپه ارتفاع می‌یابد و سیلهایی از چپ و راست آنرا در برمی‌گیرند همینطور بود تا اینکه کاروانی از طایفه (جُرْهُم) که از راه کداء<sup>۱</sup> آمده بودند از کنار آنها عبور نمودند و در دامنه مکه توقف کردند و پرنده‌ای را با حالت دور و چرخش در آسمان دیدند و گفتند این پرنده بر روی آب چرخ می‌خورد حتماً در این دره و اطراف آن آب وجود دارد، در حالیکه خبر نداریم که آبی در اینجا باشد، یکی یا دو نفر را فرستادند و آنها به آب برخورد نمودند و برگشته و آنان را از وجود آب خبر نمودند و با هم به طرف آب روی آوردند. و هاجر مادر اسماعیل کنار آب بود، گفتند: آیا اجازه می‌دهید که نزد شما منزل گزینیم، گفت آری: به شرطی که هیچ حقی در آب نداشته باشید، گفتند آری.

ابن عباس رضی الله عنهما از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان می‌نماید: آنها (کاروان) با هاجر مواجه گشتند و او هم دنبال همسایه‌ای بود، نزد وی سکنی گزیدند و به دنبال اهل خویش فرستادند و آنان نیز با آنها منزل نمودند و خانه‌ها زیاد شد

۱- جایی در قسمت بالایی مکه.

و پسر (اسماعیل) به سن جوانی رسید و زبان عربی را از آنها فرا گرفت و چون به جوانی رسید با آنها رقابت می‌کرد و آنان را شگفت زده کرده بود و چون به سن ازدواج نایل گشت زنی از طایفه خود را به همسری وی درآوردند، و مادر اسماعیل از دنیا برفت، ابراهیم بعد از ازدواج اسماعیل برگشت تا بازمانده خویش را ببیند، اسماعیل را نیافت از همسرش درباره او جویا شد گفت: بیرون رفته است تا برایمان روزی طلب کند، سپس از زندگی و اوضاع آنان پرسید، گفت: در تنگنا و سختی به سر می‌بریم و نزد او شکوه نمود. ابراهیم گفت: هرگاه همسرت آمد سلام مرا به او برسانید و به او بگوئید آستانه درب را تغییر دهد، و قتیکه اسماعیل برگشت مثل اینکه بویی برده بود، فرمود: آیا کسی پیش شما آمده بود، زن گفت، آری پیرمردی با چنین مشخصاتی پیش ما آمد و در مورد تو از من جویا شد، او را اطلاع دادم، و در مورد معیشت و زندگی‌مان سؤال نمود گفتم در تنگنا و مضیقه می‌باشیم، گفت: آیا شما را هم به چیزی توصیه و سفارش نمود؟ گفت بله: به من گفت تا سلام وی را به تو برسانم و می‌گفت اینکه چهارچوب زیرین درگاهش را تغییر دهد، اسماعیل گفت: آن پیرمرد پدرم بوده است و مرا دستور داده است تا از توجدا شوم، و به خانواده‌ات بیونند، او را طلاق داد و با زن دیگری از آن طایفه ازدواج نمود، مدت زیادی ابراهیم از آنها دور بود

پس پیش آنها آمد، اسماعیل را نیافت، نزد همسر وی رفت و از اسماعیل جويا شد همسرش گفت: دنبال طلب روزی برای ما بیرون رفته است.

گفت: وضعیت شما چطور است؟ و از اوضاع و زندگی آنها سؤال کرد.

همسر اسماعیل: ما در خوبی و خوشی به سر می‌بریم، و خدای را سپاس

نمود فرمود: خوراکتان چیست؟

گفت: گوشت.

گفت: نوشیدنی‌تان چیست؟

گفت: آب.

فرمود: خدایا در گوشت و آب برای آنان برکت قرار دهید.

پیامبر اسلام فرموده ﷺ است: آن هنگام آنها بذری نداشته‌اند و چنانچه

بذر می‌داشتند بر فزونی و برکت آن نیز دعا می‌کرد.

ابراهیم گفت: هرگاه همسرت آمد سلام مرا به او برسانید و به او بگوئید

آستانه دروازه‌اش را ثابت نگه دارد.

وقتیکه اسماعیل آمد گفت: آیا کسی پیش شما آمده است گفت: آری، پیر

خوش سیمایی نزدمان آمده بود و تمجید نمود، و از شما سؤال کرد، به او

گفتم: که دنبال کسب معاش است، در مورد چگونگی معیشتمان از من

پرسید، به او گفتم: در خوبی و خرمی به سر می‌بریم، اسماعیل گفت: آیا شما

را به چیزی سفارش و توصیه ننمود؟ گفت: آری، او سلام می‌رساند، و دستورت می‌دهد تا آستانه دروازه‌ات را ثابت نگه داری، اسماعیل گفت: او پدرم بوده است و منظورش از آستانه درب شمائید. به من امر نموده تا شما را نگه دارم و از تو جدا نشوم.

سپس ابراهیم مدتی نامعلوم از آنها بدور بود و بعد از آن برگشت و اسماعیل زیر درخت تنومندی در نزدیکی زمزم در حال تیز کردن تیر و خدنگش بود وقتی که ابراهیم را دید به سوی او شتافت و به طریق غیر قابل توصیف یکدیگر را در آغوش گرفتند سپس ابراهیم گفت: ای اسماعیل خداوند مرا به انجام کاری دستور داده است اسماعیل گفت: هر آنچه پروردگارت دستور داده است انجام دهید، گفت: مرا یاری می‌نمائید؟ اسماعیل گفت: شما را یاری می‌نمایم. ابراهیم گفت: خداوند مرا دستور داده است تا در اینجا خانه‌ای بسازم و به تپه بلندی در همان اطراف اشاره کرد همانجا دیوارهای خانه را بالا بردند و اسماعیل سنگ می‌آورد و ابراهیم آنرا می‌ساخت تا اینکه خانه ارتفاع یافت و حجرالاسود را آورد و آنرا گذاشت، ابراهیم می‌ساخت و اسماعیل به وی سنگ می‌داد، و می‌گفتند: ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ

مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾. [البقره: ۱۲۷].

پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی!

همواره می‌ساختند تا بر گرد بیت بچرخند و می‌گفتند: ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا<sup>ص</sup> إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾. پس این خانه نخستین خانه‌ای است که در زمین برای عبادت ساخته شده است کما اینکه قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾. [آل عمران: ۹۶].

نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است.

بخاری از ابوذر روایت می‌کند که او گفته است گفتم: ای رسول خدا نخستین مسجدی که در زمین بنا نهاده شد کدام مسجد است؟ فرمود: «مسجد الحرام، گفتم: سپس کدام مسجد بنا نهاده شده است؟ فرمود: مسجد الاقصی، گفتم: فاصله میان (ساختن) آنها چند سال بود؟ فرمود چهل سال، سپس هر کجا نماز فرا رسید آنرا اقامه نمائید فضیلت و برکت در آن است و خداوند اعلام داشته است که او نشانه‌ها و راهنماهای آشکاری که دلالت بر ساختن آن به وسیله ابراهیم علیه السلام نماید در آن باقی و نگه داشته است و خداوند آنرا تعظیم و مبارک گردانیده است و قرآن می‌فرماید: ﴿فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ<sup>ط</sup> وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا<sup>ط</sup> وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا<sup>ج</sup> وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾. [آل عمران: ۹۷].

در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن (خانه خدا) شود؛ در امان خواهد بود، و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج را انکار کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است.

قتاده و مجاهد گفته‌اند: که مقام ابراهیم از نشانه‌های روشن است<sup>۱</sup>. از آنچه گذشت عظمت جایگاه این شهر مبارک و علو منزلت و ارزش آن نمایان می‌گردد و ذکر پیاپی نصوص مذکور در تعدد نام‌های این شهر و بیان حدود و مبدأ بنیان آن و آنچه که در بیان حرمت آن ذکر می‌گردد بر عظمت و علو منزلت این شهر دلالت می‌نماید. والله أعلم.

---

۱- تفسیر طبری (۱۰/۴)، چاپ سوم.

**فصل اول:****فضائل مکه و برخی از احکام آن****۱ - حرمت مکه شهر مبارک خداوند:**

خداوند این نقطه زمین را از ابتدای آفرینش آسمانها و زمین برگزیده و مبارک و حرمت نهاده است، خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾. [النمل: ۹۱].

(بگو: من مامورم پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم، همان خدایی که این شهر را حرمت بخشیده؛ در حالی که همه چیز از آن اوست! و من مامورم که از مسلمین باشم.

و حدیث پیامبر ﷺ با روایت ابن عباس رضی الله عنهما که پیامبر ﷺ در روز فتح مکه گفته است: خداوند در روز خلق آسمانها و زمین این شهر را کرامت و حرمت بخشیده است و تا روز قیامت به حرمت خداوند حرام شده است.<sup>۱</sup> و ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام حرمت و کرامت مکه را بیان و اعلان کرده است و کعبه را بنا کرد و آنرا پاک نمود و در میان مردم اعلام حج نمود، بخاری از

۱- صحیح مسلم (۲/۹۸۶).

عبدالله بن زید بن عاصم رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: (ابراهیم مکه را حرمت نهاد و برای آن دعا کرده، و من نیز همچنانکه ابراهیم علیه السلام مکه را حرمت و کرامت بخشیده بود مدینه را حرمت نهادم و برای افزایش محصول آن دعا کردم همچنانکه ابراهیم برای مکه دعا کرد).<sup>۱</sup> و این روایت با آنچه خداوند ذکر کرده است که او از آغاز آسمانها و زمین مکه را حرمت نهاده است تعارض ندارد.

حافظ ابن کثیر بعد از ذکر احادیثی که بر حرمت نهادن مکه به وسیله ابراهیم دلالت می‌نمایند گفته است «میان این احادیث که بر حرمت بخشیدن خداوند به مکه از آغاز آفرینش آسمانها و زمین دلالت دارد و احادیث دال بر حرمت نهادن آن توسط ابراهیم منافاتی وجود ندارد زیرا ابراهیم حکم و حرمت آنرا از جانب خداوند تبلیغ و بیان کرده است، و همواره قبل از ساختن کعبه به وسیله ابراهیم این شهر مبارک و حرام بوده است، همچنانکه روایت شده است: که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نزد خداوند به عنوان آخرین پیامبر مقرر و مکتوب شده بود که آدم علیه السلام در میان آب و گل سرشت خویش بود، و علاوه بر آن ابراهیم دعا کرده بود که ﴿رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ﴾. [البقره: ۱۲۹].



پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز.

و خداوند براساس علم و قدر سابق خویش آنرا اجابت کرده بود لذا در حدیث ذکر شده است که صحابه گفتند: ای رسول خدا ما را از آغاز امر خود آگاه کنید پیامبر ﷺ فرمود: دعای ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ و بشارت عیسی بن مریم و مادرم در خواب دیده بود که نوری از وی خارج گشته است که قصر و کاخهای شام را نورانی و منور کرده است.

و قرآن درباره ساختن بیت توسط ابراهیم و پسرش اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَامُ می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾. [البقره: ۱۲۷].

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند، (و می‌گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی!

و قرآن کریم درباره پاک نمودن خانه خدا به وسیله ابراهیم و اعلام وی برای انجام فریضه حج می‌فرماید: ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۱۲۵﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ

عمیق ﴿﴾. [الحج: ۲۶-۲۷].

(به خاطر بیاور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند؛ و به او گفتیم:) چیزی را همتای من قرار مده! و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجودکنندگان (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز! \* و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند...

و پیامبر ما محمد ﷺ بعد از اینکه خداوند ساعتی از روز را برای پاک نمودن کعبه از بت و شرک و اعمال جاهلیت برای او حلال و مجاز نمود بر عظمت حرمت بیت و حرم و دوام حرمت آن تا روز قیامت تأکید کرد. و حرمت و شکوه آن همچنان که بوده است ادامه می‌یابد. از ابوهریره روایت شده است که پیامبر ﷺ فرموده است (خداوند فیل را از مکه منع نمود (حمله ابرهه با فیل) و پیامبر خود و مؤمنین را بر آن چیره و مسلط گردانید و برای هیچ کس قبل از من مجاز نشده است و بعد از من هم برای کسی، مجاز نمی‌گردد و فقط ساعتی در روز برای من مجاز شد (تا به پاک نمودن آن پردازم).<sup>۱</sup>

۱- صحیح البخاری ۲۰۵/۱، و صحیح مسلم ۹۸۸/۲.

و این حرمت شامل مسجد الحرام و محیط اطراف آن نیز می‌گردد و خداوند به علت شرافت مکه و بیت الحرام محیط اطراف را نیز حکم حرمت بیت قرار داده است.

## ۲ - سوگند خداوند به مکه در قرآن:

خداوند در آیات متعددی از کتاب شریف خود به علت رفعت منزلت شهر مبارک و دلالت بر عظمت «مُقَسَّم، به» به مکه سوگند یاد نموده است. و می‌فرماید: ﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ ﴿۱﴾ وَطُورِ سَيْنِينَ ﴿۲﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿۳﴾ [التین: ۱-۳].

قسم به انجیر و زیتون \* و سوگند به «طور سینین \* و قسم به این شهر امن (مکه).

و تعبیر نمودن از آن با این ساختار بیانگر عظمت موقعیت این شهر است و چون خداوند به آن سوگند خورده است آنرا تعظیم و گرامی نموده است و در ضمن قسم با ضمیر اشاره کلمه هذا (این) به آن اشاره نموده است که این بیانگر قرب و نزدیکی جایگاه این شهر نزد خداوند می‌باشد سپس آنرا با صفت (امین) (به معنی پر امن و امان) وصف کرده است.

در سوره بلد نیز به آن قسم می‌خورد: ﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿۱﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ

بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢٠﴾. [البلد: ۱-۲].

قسم به این شهر مقدس (مکه) \* شهری که تو در آن ساکنی.  
و این قسم دیگری است که ساختار دیگری از قسم موکد در آن و نیز با  
به کار رفتن اسم اشاره به وسیله هذا در آن به کار رفته است.

### ۳ - دعای ابراهیم خلیل علیه السلام برای مکه و اهل آن:

خداوند در کتاب شریف خود برای ما ذکر نموده است که ابراهیم خلیل  
علیه السلام بعد از آنکه فرزندش اسماعیل و همسرش هاجر را در مکه اسکان داد  
برای این شهر و ساکنان آن دعا نمود که آنرا شهر پر امن و امانی قرار دهد و  
فرزندان آنرا از پرستش بت بدور نماید و دعا کرد تا خداوند دل مسلمانان را  
به سوی آنان و شهرشان متمایل و رغبت نماید، دعا کرد تا از میوه‌ها آنان را  
رزق و روزی دهد، و از میانشان پیامبری برانگیزد.

خداوند تمام این دعاهای مبارک را از زبان پدر انبیاء ابراهیم خلیل علیه السلام در  
کتاب شریف خود قرآن ذکر کرده است: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ  
ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿١٢٥﴾ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضَلَّلَن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ﴿١٢٦﴾ فَمَنْ  
تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي ﴿١٢٧﴾ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي

بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ  
النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿۳۷﴾ [ابراهیم: ۳۵-۳۷].

(به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر (مکه) را شهر امنی قرار ده! و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاه دار! \* پروردگارا! آنها (بتها) بسیاری از مردم را گمراه ساختند! هر کس از من پیروی کند از من است؛ و هر کس نافرمانی من کند، تو بخشنده و مهربانی! \* پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را بجای آورند!

و از زبان ابراهیم الخلیل عَلَيْهِ السَّلَام بیان می‌دارد که می‌گوید: ﴿رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ

رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۲۹﴾ [البقره: ۱۲۹].

پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری)!

و خداوند دعای پربرکت ابراهیم را اجابت نمود و ساکنان این دره بی‌کشت و زرع را روزی داد و از هر طرف و سویی بر آنان میوه‌ها وارد می‌گشت و میوه زمستانی را در تابستان، و میوه تابستانی را در زمستان در آن می‌یابی. - منزه باد خداوند اجابت کننده و سپاسی برای خداوند بسی بخشنده -.

و منت نهادن خداوند بر اهل این شهر مبارک به این نعمتها از جهت یادآوری فضل نعمت بر آنان است و حذر نمودن از اسائه ادب در بیت و حرم او می‌باشد، همچنانکه قرآن می‌فرماید: ﴿أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا مُّجَبًّى إِلَيْهِ تَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رَزَقْنَا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾. [القصص: ۵۷].

آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (از هر شهر و دیاری) بسوی آن آورده می‌شود؟! رزقی است از جانب ما؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند!

و اما دعای ابراهیم خلیل تا به اینکه دلهای مسلمانان به سوی آنان و شهرستان متمایل و مشتاق گردد خداوند دعای وی را اجابت کرد، این بیت را زیارتگاه و محل رفت و آمد مسلمانان قرار دارد، و مردم به آن رفت و آمد می‌کنند و از رفتن به آن سیر نمی‌گردند و بلکه هر گاه از آن بیرون روند

دوست دارند که به آن برگردند.

ابن عباس و مجاهد، و سعید بن جبیر گفته‌اند اگر ابراهیم در دعای خود به جای (من الناس) «أفئدة الناس» یعنی دلهای مردم می‌گفت: حتماً ملت فارس و روم و یهود و نصاری بر آن جمع می‌شدند، ولیکن گفت (من الناس) برخی از مردم، و فقط مسلمانان به آن اختصاص یافتند.

و اما دعای ابراهیم خلیل برای این امت، خداوند این دعوت را مستجاب نمود، چون با قدر سابق خداوند در مورد بعثت پیامبر اسلام به عنوان رسول در میان امی‌ها و نیز سایر انس و جن موافق و هماهنگ شد، از عرباض بن ساریه رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من نزد خداوند خاتم النبیین بودم، و آدم عَلَيْهِ السَّلَام هنوز در میان آب و گل خلقت خویش بود، و شما را از آغاز آن آگاه خواهم کرد - دعای پدرم ابراهیم و مژده عیسی برای آمدنم و خوابی که مادرم دیده بود.

#### ۶ - محبوب‌ترین شهرها نزد خداوند:

نصوص شرعی وارد گشته‌اند که ثابت می‌نمایند که این شهر مبارک برترین و دوست‌داشتنی‌ترین شهرها نزد خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مکه گفته

است «ما أطيبك من بلد، وأحبك إليّ، ولولا أنّ قومك أخرجوني ما سكنت غيرك»<sup>۱</sup>.

پاک‌تر و دوست‌داشتنی‌تر از تو نزد من شهری نیست، و اگر اهل تو (ای مکه) مرا بیرون نمی‌کردند جز تو در جایی سکونت نمی‌کردم).  
 از عبدالله بن عدی بن حمراء نقل شده است که: پیامبر ﷺ را دیدم بر (حَزْوَرَه) تپه‌ای کوچک ایستاده بود خطاب به مکه می‌گفت: «إِنَّكَ لَخَيْرُ أَرْضِ اللَّهِ، وَأَحَبُّ أَرْضِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ، وَلَوْلَا أَنِّي أُخْرِجْتُ مِنْكَ مَا خَرَجْتُ»<sup>۲</sup>.  
 تو بهترین سرزمین خدا و محبوب‌ترین سرزمین خدا نزد خداوند می‌باشی، و اگر مرا از تو بیرون نمی‌کردند بیرون نمی‌رفتم.

### ۵ - دجال وارد مکه نمی‌گردد:

خداوند شهر پر امن و امان خود مکه و شهر رسولش ﷺ مدینه را اکرام نموده است به اینکه دجال در آنها وارد نشود، فرشتگانی جهت حمایت از مکه و مدینه مهیا نموده تا از ورود دجال به آنها ممانعت به عمل آورند، حدیث بخاری با روایت از انس نیز بر صدق این گفتار دلالت می‌نماید که

۱- أخرجه الترمذی وحسنه رقم (۳۹۲۶)، وابن حبان فی صحیحہ رقم (۳۷۰۹)، والحاکم وصححه (۴۸۶/۱).  
 ۲- أخرجه الترمذی وصححه رقم (۳۹۲۵)، والنسائی فی الکبری رقم (۴۲۳۹، ۴۲۳۸)، وابن ماجه رقم (۳۱۰۸)، والحاکم وصححه (۷۸۳، ۴۳۱).



پیامبر ﷺ فرموده است: «لیس بلد إلاّ سیطوه الدجال إلاّ مکه والمدینه، لیس من نقابها نقبٌ إلاّ علیه الملائکه صافیین یحرسونها، ثم ترجف المدینه بأهلها ثلاث رجفات فیخرجُ الله کل کافر و منافق»<sup>۱</sup>.

(شهری نیست مگر اینکه دجال وارد آن می‌شود، جز مکه و مدینه، بر تمام سوراخهای آن فرشتگانی صف بسته‌اند و از آن حراست و پاسداری می‌نمایند، سپس مدینه با ساکنان آن سه بار تکان می‌خورد و خداوند هر کافر و منافقی را از آن بیرون می‌کند.

و در مُسلم از تمیم الداری رضی الله عنه به نقل از دجال روایت شده است که: «إني أوشك أن يؤذن لي في الخروج فأخرج فأسير في الأرض فلا أدع قرية إلاّ هبطتها في أربعين ليلة غير مکه وطیبة، فهما محرّمتان عليّ کلّتاها، کلّما أردت أدخل واحدة أو واحداً منهما استقبلي ملکٌ بيده السيف صلتاً يصدني عنها، وإنّ عليّ کل نقب منها ملائکه یحرسونها»<sup>۲</sup>.

(نزدیک است اجازه خروج به من داده شود و خارج شوم، و به مدت چهل شب در زمین سیر می‌کنم، روستا و دهی نیست مگر اینکه در آن فرود آیم، به جز مکه و مدینه آن هر دو بر من تحریم شده‌اند، هرگاه بخواهم به یکی از آنها وارد شوم فرشته‌ای با در دست داشتن شمشیری کشیده با من

۱- بخاری (۹۵/۴).

۲- صحیح مسلم (۲۲۶۱/۴).

رویارو شده و مرا از ورود به آن باز می‌گرداند و بر تمام سوراخهای آن فرشته‌ای از آن حراست می‌نماید.

«از شر فتنه دجال به خداوند پناه می‌جوییم».

#### ۶ - مرجع ایمان:

مسلم در صحیح خود با روایت از ابن عمر رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا كَانَ، وَهُوَ يَأْرُزُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ كَمَا تَأْرُزُ الْحَيَّةُ فِي جَحْرَهَا»<sup>۱</sup>. (اسلام با غربت و غریبی آغاز گشته است و غریب گونه هم بر خواهد گشت و به میان مسجدین (به قول نووی مسجد مکه و مدینه) جمع می‌گردد همچنانکه مار در لانه خویش جمع می‌گردد)<sup>۲</sup>.

#### ۷ - چندین برابر بودن پاداش نماز در مسجد الحرام:

چون مسجد الحرام اولین خانه‌ای است که برای مردم بنا نهاده است، خداوند نمازگزاران در آن را به چند برابر نمودن نمازهای آن مورد اکرام قرار

۱- صحیح مسلم فی کتاب الإیمان، باب بیان أن الإسلام بدأ غریباً رقم (۴۲۱). چون مار با آهسته به لانه خود باز می‌گردد، و نمی‌تواند با سرعت برگردد، پس مقصود کم کم ایمان به جای اصلی خود بر می‌گردد و در آنجا جمع می‌شود.

۲- شرح نووی بر صحیح مسلم ۱۷۷/۲.

داده است، و این فضیلت بزرگی است برای این بیت از طرف خداوند مهربان برای بندگان مؤمن و نمازگزارش.

و چه بدبختی و شقاوت بر کسی که در مکه ام القری سکنی گزیده است و در مجاور بیت عتیق قرار گرفته و این دروازه خیر و اجر مضاعف بر وی گشوده شده باشد و او از ادای فریضه الهی و نماز اعراض و اهمال ورزد، پس چه کسی بدبخت تر و حسرت مندتر از اوست.

از ابوهریره رضی الله عنه نقل شده است. که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است «صلاة في مسجدي هذا خير من ألف صلاة فيما سواه إلا المسجد الحرام»<sup>۱</sup>. (یک نماز در مسجد من بهتر از هزار نماز در غیر آن، جز مسجد الحرام است).

از جابر رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «صلاة في مسجدي أفضل من ألف صلاة فيما سواه إلا المسجد الحرام، وصلاة في المسجد الحرام أفضل من مائة ألف صلاة فيما سواه»<sup>۲</sup>.

(یک نماز در مسجد من برتر است از هزار نماز در غیر آن مگر مسجد الحرام، و یک نماز در مسجد الحرام برتر از صد هزار نماز در غیر آن است). و آیا این چند برابر بودن و فضیلت برای نماز فقط در مسجد الحرام

۱- بخاری (۶۳/۳) و مسلم (۱۰۱۲/۲).

۲- امام احمد (۳۴۳/۳) ابن ماجه در السنن (۴۵۱/۱) و آلبانی در صحیح ابن ماجه (۱۱۵۵) آنرا صحیح دانسته‌اند.

احاطه کننده کعبه است، یا اینکه تمام حَرَم را در برمی گیرد؟ علماء در این باره هم اختلاف نظر دارند، برخی آنرا خاص مسجد محیط کعبه می دانند و گروهی دیگر این فضیلت را برای تمام حرم تعمیم می دهند.

و بسیاری از علماء ترجیح داده اند که چندین برابر شدن نماز همه حَرَم را شامل می گردد، و از جمله کسانی که ترجیح داده است امام عطاء بن ابی رباح مکی اهل حَرَم در زمان خود می باشد که الربیع بن صبیح از وی پرسید: (ای ابامحمد آیا این فضل که درباره نماز گفته می شود فقط در مسجد الحرام است یا در همه حرم؟ عطاء گفت: بلکه در تمام حَرَم، زیرا همه حَرَم مسجد است).

و از جمله کسانی که باز فضیلت نماز را به تمام حرم ترجیح داده است امام ابن القیم جوزیه می باشد که در این باره بحث و بررسی ارزشمندی دارد، و در میان علمای معاصرین هم عبدالعزیز بن باز رحمته الله آنرا ترجیح داده است.<sup>۲</sup>

و با این وجود بیگمان نماز در مسجد الحرام پیرامون کعبه برتر است، چون در درون آرامش، شرح صدر، و حضور دل و نزدیکی به کعبه

۱- زاد المعاد (۳/۳۰۳).

۲- مجموع فتاوی ابن باز ۴/۱۳۰.

برمی‌انگیزاند.

و برخی از اهل علم همچون امام احمد و نووی بر آنند که تمام حسنات و نیکی‌ها در مکه چند برابر و مضاعف می‌گردد. و امام ابن تیمیه می‌گوید: نماز و غیر نماز در نزدیک مکه از جاهای دیگر برتر است، و مجاورت با مکانی که ایمان و تقوا در آن باشد هر کجا باشد برتر است، و حسنه و سیئه با مکان و زمان با فضیلت چندین برابر می‌گردد.<sup>۱</sup>

#### ۸ - تحریم ظلم و ارتداد در حرم (مکه):

خداوند ظلم و الحاد را در مکه تحریم نموده است و هر کس در مکه ظلم و الحاد نماید او را به عذاب دردناک و خواری بزرگ وعده و دچار می‌نماید خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَنكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ [الحج: ۲۵].

کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند (مستحق عذابی دردناکند)؛

۱- الاختیارات الفقهیه، ابن تیمیه، ص ۱۱۳. گفته: القاضی عیاض، و ابن الجوزی.

و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم!

ابن جریر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می‌گوید: الحاد یعنی در بیت الحرام به ستم میل کنی<sup>۱</sup> و برخی مفسرین آنرا به شرک تفسیر کرده‌اند، و گروهی دیگر آنرا به حلال نمودن حرام و ارتکاب آن تفسیر کرده‌اند، و دسته‌ای نیز آنرا به احتکار خوراک در مکه تفسیر کرده‌اند.<sup>۲</sup>

الحاد شامل تمام این منکرات و غیر آن می‌گردد، این از باب تفسیر به مثل است و قول اظهر این است که الحاد تمام معصیت خداوند را در برمی‌گیرد، و عبدالعزیز بن باز رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می‌گوید: و کلمه الحاد عام است برای هر نوع تمایل به باطل چه در عقیده باشد یا در غیر عقیده، زیرا خداوند گفته است ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ﴾ همه را نکره ساخته است، هر گاه کسی الحاد ورزد (هر نوع الحادی) به این عذاب گرفتار آید.

و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این تحریم را در حرم الهی برای الحاد تأکید کرده است، و بیان کرده است که انجام دهنده آن مبعوض و منفورترین مردم است نزد خداوند، ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت می‌کند که فرموده است:

۱- تفسیر طبری ۱۳۰/۹.

۲- منبع سابق.

مبغوض‌ترین انسانها نزد خداوند سه نفر می‌باشند، کسی که در حرم الحاد ورزد، کسی که در اسلام دنبال سنت و روش جاهلیت باشد، فردی که خواهان خون شخصی باشد تا به ناحق خون او را بریزد.

و صحابی جلیل‌القدر ابن عمر رضی الله عنهما الحاد در حرم را از جمله گناهان کبیره به حساب آورده است، طبری در تفسیر خود از طیسله بن علی روایت می‌کند که: شامگاه روز عرفه نزد ابن عمر رضی الله عنهما رفتم و او در سایه درخت آراکی<sup>۱</sup> بود درباره گناهان کبیره از او سؤال کردم گفت: عبارتند از: شرک ورزیدن به خداوند، تهمت ناروا به زنان پاکدامن، کشتن انسان مؤمن، فرار از جبهه جنگ، سحر، رباخواری، خوردن مال یتیم، عقوق والدین مسلمان، و الحاد در بیت الحرام که قبله زنده‌ها و مرده‌هایتان است<sup>۲</sup>.

سپس قابل ملاحظه است آنچه در آیه الحاد مورد تهدید به عذاب دردناک قرار گرفته است تصمیم به انجام عمل است، اگرچه آنرا عملی ننموده باشد، پس کسی که آنرا عملی نماید چه عذابی در انتظار اوست. و لذا ابن مسعود

۱- در فارسی درخت سواک هم گفته می‌شود زیرا به عنوان سواک از آن استفاده می‌شود و درباره استحباب استفاده از چوب درخت اراک برای مسواک زدن خصوصاً قبل از اقامه نماز و تغییر مزه دهان در کتب فقهی بحث فراوانی وجود دارد.

۲- البخاری فی الأدب المفرد، رقم (۸) یاسناد صحیح. انظر: صحیح الأدب المفرد ص ۳۵ برقم (۸/۶). وفیه قوله: «والحاد فی المسجد» ولم يذكر القبلة وابن جریر فی تفسیره (۳۹/۵).

ﷺ گفته است اگر اینکه فردی در بیت الحرام قصد الحاد کند و او در شهر عدن در یمن باشد خداوند عذاب دردناکی را به او می‌چشاند.<sup>۱</sup>

ابن کثیر رَحِمَهُ اللهُ از بعضی از اهل علم نقل می‌کند: (هر کسی قصد کند عمل ناروایی در مکه انجام دهد خداوند عذاب دردناک را به او می‌چشاند گرچه آنرا انجام نداده باشد، برخلاف جاهای دیگر که در غیر حرم به قصد سیئه فرد معاقبه نمی‌گردد.<sup>۲</sup>

عبدالعزیز بن باز رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: (آنچه که دلالت بر شدت بیم‌دادن در نارواییهای حرم می‌نماید و اینکه گناه در حرم بزرگ و سخت قلمداد می‌گردد این آیه قرآن است که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدَقَهُ مِنْ عَذَابِ الْيَمِّ﴾.

این آیه دلالت می‌نماید بر اینکه گناه در حرم عظیم به حساب می‌آید، حتی در قصد به انجام گناه این بیم وجود دارد، پس اگر کسی که در حرم با صرف قصد گناه به عذاب الیم دچار گردد، پس کسی که در حرم به سیئات و منکرات مرتکب گردد چه عذابی برای وی در نظر گرفته می‌شود، و تمام

۱- أحمد فی المسند ۴۲۸/۱، والطبری فی التفسیر ۱۴۸/۱۷، والحاکم وصححه ۳۸۸/۲، وصححه الحافظ ابن کثیر

فی تفسیره ۲۱۵/۳، وابن حجر فی الفتح ۲۱۰/۱۲.

۲- تفسیر ابن کثیر ۲۱۵/۳.



اینها بیانگر این است که گناه در حرم چه موقعیت و وضع خطرناکی دارد؟  
هان آگاه باشید! ای کسی که خداوند شما را با سکنی دادن در این شهر  
مورد اکرام قرار داده است، و ای کسی که خداوند بر او نعمت ارزانی داشته  
است و رفتن به آن بر او میسر و آسان نموده است - خدایا همسایگی خوب  
خانه خود و حرمت را نصیبمان فرما.

#### ۹ - تحریم قتال و خونریزی در مکه و آزار ساکنان آن:

مسأله جنگ و خونریزی مسأله بزرگی است و از مهمترین مقتضیات  
حرمت مکه معظمه است، و ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام بعد از اینکه این بیت مبارک  
را بنا نمود با دعاهایی برای این شهر و اهل آن پروردگار خویش را فراخواند  
که تعدادی از آن دعاها در صفحات پیش ذکر شد، و چه بسا آیاتی که در  
حرم خداوند وارد گشته است ابو الانبیاء ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را به یاد می آورند:  
خداوند می فرماید: ﴿قَالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفَ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ  
نُمْكِن لَّهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا حُبِّي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رَزَقْنَا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ  
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾. [القصص: ۵۷].

آنها گفتند: «ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم، ما را از سرزمینمان  
می ربایند!» آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی

(از هر شهر و دیاری) بسوی آن آورده می‌شود؟! رزقی است از جانب ما؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند!

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾. [البقره: ۱۲۵].

و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم!

و در سوره تین می‌فرماید: ﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ ﴿۱﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿۲﴾ وَهَذَا

الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿۳﴾. [التین: ۱-۳].

قسم به انجیر و زیتون \* و سوگند به «طور سینین \* و قسم به این شهر امن (مکه).

و در سیاق و ساختار منت نهادن بر مردم ساکن مکه می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ يَرَوْنَ

أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ﴾. [العنكبوت: ۶۷].

آیا ندیدند که ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم را در اطراف آنان (در بیرون این حرم) می‌ربایند؟! آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را کفران می‌کنند؟!

و قرطبی رحمته الله گفته است: (بی‌گمان مکه همواره حرم پر از امن و امانی

بود و محفوظ بوده است از ستمگران سلطه‌گر، و زلزله‌ها و سایر آفت‌هایی

که شهرها را در برمی گیرد تمایز آنان به امنیت و آرامش از دیگران هیبت و شکوهی را در درونهای متمرّد و سرکش قرار داده است.<sup>۱</sup>

و به همین سبب در غیر ضرورت و نیاز حمل سلاح در مکه نهی شده است مسلم از جابر رضی الله عنه روایت کرده است که جابر گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کرده است که سلاح در مکه حمل شود.<sup>۲</sup>

قاضی عیاض رحمته الله می گوید: به نظر اهل علم این نهی حمل شده است بر برداشتن و حمل سلاح بدون ضرورت و نیاز، و اگر ضرورت و نیاز اقتضاء نماید جایز است حمل گردد، و مالک و شافعی و عطاء - رحمهم الله - نیز قائل به این نظر می باشند، اما حسن بصری رحمته الله با تمسک به ظاهر حدیث حمل آنرا در هر حال مکروه دانسته است، و اما قتال و جنگ افروزی در حرم پیامبر آنرا سخت گرفته است. بر تحریم آن تأکید نموده است، و امام بخاری در باب قتال می گوید: جنگ و قتال در مکه جایز و حلال نیست، و ابو شریح رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است: در مکه نباید خونی ریخته شود.

سپس در حدیث ابن عباس رضی الله عنهما که ذکر آن گذشت که روایت شده بود که

۱- تفسیر القرطبی (۲/۱۷۷).

۲- صحیح مسلم (۲/۲۸۹).

پیامبر ﷺ فرموده بود: «وإنَّ هذا بلد حرَّمه الله يوم خلق السموات والأرض، وهو حرام بجرمة الله إلى يوم القيامة»<sup>۱</sup>.

و این شهری است که خداوند از روز خلق آسمانها و زمین آنرا حرام (حرمت) نموده است و این شهر با حرمت خداوند تا روز قیامت حرام گردیده است.

خداوند به قتل و جنگ با کافرین در مکه برای پیامبر و مؤمنین اجازه و رخصت نداده است مگر زمانی که کافران در قتال و جنگ بر آنان پیش‌دستی نمایند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ<sup>ط</sup>

فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾ [البقره: ۱۹۱].

در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران!

و رسول الله ﷺ در روز فتح مکه تمام کسانی را که سلاح خویش را دور انداخته بودند امان داد و با مشرکین نجنگید، و جارچی فرستاد و ندا و فریاد می‌زد: که هر کس وارد مسجد الحرام گردد در امان است، و هر کس

۱- صحیح بخاری (۱۶۹/۸، ۱۷۰).

درب خانه را بر روی خود ببندد در امان است، و هر که وارد خانه ابوسفیان گردد در امان است، و به یارانش جز با کسانی که به جنگ با آنان پرداخته و در مقابل آنان اسلحه کشیده‌اند اجازه کارزار نداد.

لذا لازم است بر ساکن حرم و مسافران تازه وارد با آزار و اذیت و ایجاد وحشت و ترس در مردم در آن نسبت به حرم هتک حرمت ننمایند بیگمان این عمل از بزرگترین گناهان است، خداوند می‌فرماید: ﴿فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا﴾. [آل عمران: ۹۷].

در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن (خانه خدا) شود؛ در امان خواهد بود.

ابن کثیر رحمته الله در تفسیر این آیه می‌فرماید: (هر گاه کسی وارد حرم مکه گردد از هر نوع بدی در امان است. و در زمان جاهلیت نیز همینطور بود<sup>۱</sup>).

و عبدالعزیز بن باز رحمته الله در توضیح ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا﴾ می‌گوید: یعنی واجب است که امان داده شود، و چنین نیست که در حرم برای کسی اذیت واقع نمی‌گردد، و جنگ و کشتاری در آن انجام نمی‌گیرد، بلکه انجام و به وقوع می‌پیوندد، و منظور این است که هر کس وارد آن گردد امان دادن

۱- تفسیر ابن کثیر (۳۸۴/۱).

وی واجب است، و مورد تعرض قرار نگیرد و مردم عصر جاهلی چنین می‌کردند که، حتی مرد جاهلی اگر قاتل پدر یا برادرش را در حرم می‌یافت او را آزار و اذیت نمی‌کرد تا اینکه از آن بیرون آید<sup>۱</sup>.

#### ۱۰ - تحریم دخول کفار و مشرکین به مکه:

و این ویژگی از ویژگی‌های حرم شهر پر امن و امان خداست که مطلقاً جائز نیست که کافر و یا مشرکی از یهود و نصاری و غیره از دخول مکه تمکین و پذیرفته شود، زیرا مشرکین نجس‌اند و شهر خداوند پاک و مقدس است، و کفر و نجاست آنان آنها را از دخول مسجد الحرام منع می‌نماید. خداوند می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا ۚ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنْ شَاءَ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾ [التوبه: ۲۸].

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بی‌نیاز می‌سازد؛ (و از راه دیگر جبران می‌کند؛) خداوند دانا و حکیم است.

۱- مجموع فتاوی ابن باز (۱/۳۸۴).

و برای تنفیذ و اجرای این دستور الهی پیامبر ﷺ در سال نهم بعثت ابوبکر صدیق را فرستاد تا در میان مردم اعلام کند اینکه بعد از امسال هیچ مشرکی به حج نپردازد، و هیچ عریانی و برهنه‌ای طواف بیت ننماید.<sup>۱</sup>

قرطبی رحمته الله می‌گوید: تمکین مشرک از دخول تمام حرم حرام است و اگر چنانچه فرستاده و نماینده‌ای از آنان نزد ما (مسلمانان) بیاید امام مسلمانان برای شنیدن سخن وی به خارج از حرم برود. و اگر مشرکی پنهانی وارد حرم گردد و بمیرد قبر وی باز و نبش می‌گردد و استخوانهای او نیز بیرون آورده می‌شود.<sup>۲</sup>

و منظور از مسجد الحرام در این آیه تمام حرم است و فقط ساختمان اطراف کعبه نیست، و برخی از علماء بر چندین برابر بودن اجر نماز در حرم به این آیه استدلال کرده‌اند که فقط ساختمان دور کعبه نیست زیرا خداوند بر حرم تمام مسجد الحرام را اطلاق نموده است.

### ۱۱ - تحریم شکار و قطع درخت و برداشتن اشیاء و گم شده در حرم:

بخاری و مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند که چون خداوند مکه را بر پیامبر ﷺ گشود و در میان مردم برخاست و خداوند را حمد و ثنا نمود

۱- صحیح البخاری (۲۷۹/۷).

۲- تفسیر قرطبی (۱۰۴/۸)، تفسیر ابن کثیر (۳۴۲/۲).

سپس گفت: (خداوند اصحاب فیل را از مکه بدور کرد و رسول خود و مؤمنین را بر آن مسلط و چیره گردانید و برای کسی قبل از من و بعد از من حلال نگردانید و فقط برای من یک ساعت در روز حلال گردانید.

پس شکار و نخچیر آن رهیده نگردد و گیاه و خار آن چیده و کنده نشود و یافته آن جز برای جارچی و اعلام کننده حلال نگردد)!

این حدیث تعدادی از ویژگیهای شهر مبارک مکه را بیان کرده است که عبارت بودند از: تحریم رهیدن نخچیر و کشتن آن در مکه، تحریم قطع و کندن درخت، باز نمودن و دستکاری نکردن یافته جز برای معرف و جارچی. و اینها احکام مخصوصی است که خاص این شهر مبارک است که رسول الله ﷺ آنرا بیان نموده است، و احکام جاویدان و دائمی می‌باشند که تا روز قیامت پابرجا می‌باشند و بر هر مسلمان ساکن مکه و یا برای حج و عمره به آن در آید واجب است که این احکام را بداند و همگی به آن عمل نمایند و حذر جدی نمایند از مخالفت دستور خداوند و تجاوز حد و از هتک حرمت‌های آن بپرهیزند.

در زیر احکام هر مسأله‌ای از این مسائل سه گانه را به تفصیل بیان می‌کنیم.



**الف: تحریم رهیدن و کشتن شکار در مکه:**

سخن پیامبر ﷺ در حدیث ابی هریره که می‌فرماید «لا ینفر صیدها» صراحتاً از گریز دادن صید نهی می‌نماید، و لذا امام بخاری در کتاب صحیح خود باب مستقلى را به نام (باب لا ینفر صید الحرم) ترتیب و تبویب نموده است.

ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مَكَّةَ، فَلَمْ تَحِلْ لِأَحَدٍ قَبْلِي وَلَا تَحِلُّ لِأَحَدٍ بَعْدِي، وَإِنَّمَا أَحَلَّتْ لِي سَاعَةٌ مِنْ نَهَارٍ، لَا يَخْتَلِي خَلَاهَا، وَلَا يُعْضِدُ شَجَرَهَا، وَلَا يُنْفِرُ صَيْدَهَا، وَلَا تَلْتَقِطُ لِقَطَّتْهَا إِلَّا لِمُعَرَّفٍ». قال العباس يا رسول الله إلا الإذخر لصاغتنا وقبورنا. فقال: «إِلَّا الإذخر»<sup>۱</sup>.

بدانید که مکه نه برای کسی قبل از من، و نه بعد از من، حلال قرار داده شده است، و فقط بخشی از یک روز برای من حلال قرار داده شد. و بدانید که از این لحظه به بعد (برای همیشه) حرام قرار داده شد. بنابراین، نه خار آن کنده شود، و نه درخت آن قطع گردد، و نه شکار آن صید شود، و نه گم شده آن برداشته شود، مگر اینکه به صاحبش برگردانیده شود. عباس رضی الله عنه گفت: ای رسول الله! إِذْخِر (نوعی گیاه سبز) را استثنا کنید، زیرا ما آنرا در

۱- بخاری با فتح الباری (۴/۶۷).

(سقف) خانه‌ها و در قبرهای مان مورد استفاده قرار می‌دهیم، رسول الله ﷺ پذیرفت و فرمود: بجز اذخر. (یعنی کندن و قطع کردن اذخر از قاعدهٔ حرمت، مستثنا است).

تغییر صید یعنی فرار و گریز دادن آن از مکان خود. اما نووی رحمته الله می‌گوید: تغیر صید که یعنی گریز دادن آن از مکان خویش حرام است، اگر آنرا گریز داد صید از بین رفت یا نه، گریزنده دچار گناه و عصیان گردیده است، و اگر در گریز دادن و رمیدن به وسیله او صید هلاک شود و از بین رود ضامن فدیة آن می‌گردد<sup>۱</sup>.

و عکرمه رحمته الله تابعی مشهور نیز تغیر را به همین معنی تفسیر نموده است، و او راوی حدیث از ابن عباس رضی الله عنهما می‌باشد بعد از روایت حدیث می‌گوید: آیا می‌دانید «لا ینفر صیدها» به چه معناست؟ یعنی اینکه صید را از سایه و جای خویش برانید، و خود جای آن بنشیند<sup>۲</sup>.

اگر گریز و راندن شکار حرام باشد پس کشتن و شکار آن حرمت شدید و بیشتری دارد، حافظ ابن حجر به دنبال تفسیر عکرمه از تغیر می‌گوید: عکرمه با هشدار منع از اتلاف و سایر آزارها از پائین‌ترین درجه گناه بر

۱- شرح نووی بر مسلم (۲۶/۹).

۲- فتح الباری (۴۶/۴).

بالاترین درجه گناه هشدار داده است.<sup>۱</sup>

ابن منذر رحمته الله می گوید: علماء اجماع کرده اند که شکار در حرم اعم از حلال و حرام آن حرام می باشد.<sup>۲</sup>

و شارع کشتن فاسق‌هایی که نص شرعی به قتل آنها در حرم و غیر حرم وارد گشته است مباح نموده است.

بخاری و مسلم از ام المؤمنین حفصه رضی الله عنها روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «خمسٌ مِنَ الدوابِّ، لا حَرَجَ عَلَی قَتْلِهنَّ، العُرابُ، والحدأةُ، والفأرُ والعقربُ، وَالکَلْبُ العَقُورُ»<sup>۳</sup>. پنج دسته از روندگان کشتن آنها حرج و گناهی ندارد، کلاغ، زغن<sup>۴</sup>، موش، عقرب، سگ گازگیر و درنده.<sup>۵</sup>

و از عائشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پنج دسته از روندگان که همه فاسق‌اند در حرم کشته می شوند، کلاغ، زغن، عقرب، موش، سگ درنده.<sup>۶</sup>

و مسلم نیز از عائشه رضی الله عنها روایت می نماید که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفته است:

۱- همان مرجع.

۲- اجماع ابن منذر ۶۸.

۳- بخاری (۴۳/۴)، مسلم (۱۵۸/۲).

۴- زغن: پرندۀ گوشت ربا، یا موش ربا، یا جنگلاهی نیز گفته می شود.

۵- بخاری (۴۳/۴)، مسلم (۱۵۸/۲).

۶- مسلم (۱۵۶/۲).

پنج دسته از روندگان در حرم و غیر حرم کشته می‌شوند! مار، کلاغ، موش، سگ گزنده و هار، و موش ربا<sup>۱</sup>.

و هر آنچه که دارای ضرر و آزار ظاهری و آشکار باشد و در موذی بودن آن اختلاف نباشد در زمره روندگان پنجگانه فوق الذکر قرار می‌گیرد، و امام مالک «کلب العقور» را تفسیر کرده است که هر آنچه که از مردم گازگیر و به آنها هجوم و تعدی نماید و آنان را به وحشت و هراس اندازد همچون شیر، پلنگ، یوزپلنگ (ماده)، گرگ، مانند سگ گازگیرنده و درنده می‌باشد<sup>۲</sup>.

### ب: قطع درخت و خار و کندن و چیدن آن:

و این حکم نیز از ویژه‌گیهای این شهر مبارک می‌باشد که در احادیث سابق الذکر از پیامبر ﷺ درباره آن سخن گفته شد این احادیث بر نهی از بریدن و قطع نمودن درخت و گیاه در حرم دلالت می‌نمایند گرچه خار هم باشد و این حکم خاص چیزهای که خودرو می‌باشند و در رویش آنها آدمی دخالت نداشته باشد، امام قرطبی می‌گوید که فقهاء حکم مذکور را به گیاهان و درختان خودرو اختصاص داده‌اند، اما آنچه که با دخالت آدمی می‌روید در آن اختلاف نموده‌اند و جمهور فقهاء رأی به جواز قطع آن داده‌اند.

۱- موطأ (۲/۲۵۹).

۲- موطأ (۲/۲۵۹).

پس اگر کسی درخت و خار حرم که خداوند آنرا به طور خودرو رویانده است قطع نمود حکم وی چیست؟

اولاً: اهل علم اجماع نموده‌اند بر اینکه قطع کننده درخت و گیاه و خار عاصی و به آنچه خداوند تحریم کرده است تعدی و تجاوز نموده است.

دوماً: اهل علم در جزای قطع کننده درخت و گیاه حرم اختلاف دارند: عطاء قائل بر این است که او عاصی و به گناه مرتکب شده است و لازم است از خداوند استغفار بطلبد و امام مالک و ابن المنذر و ابن حزم و ابو ثور نیز رأی عطا را ترجیح داده‌اند و ائمه ثلاثه ابوحنیفه و شافعی و احمد بر این باورند که فرد مرتکب باید ضمان پردازد و در اندازه و مقدار ضمان [فدیه] با هم اختلاف دارند، نظری را که ابوحنیفه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اختیار نموده است این است که: مقدار ضمان آن با قیمت و ارزش آن تعیین می‌گردد، اگر ارزش و قیمت شیء تلف شده به بهای یک قربانی رسید بر فرد مرتکب قطع شجر و یا علف چین حرم لازم است قربانی انجام دهد، و اگر از قیمت قربانی کمتر بود، باید در قبال جریمه طعام بخرد و به هر نیازمند نصف صاع (مقدار معادل یک و نیم کیلو (خرما) طعام بدهد، و آنچه شافعی و احمد در قطع درخت بزرگ اختیار نموده‌اند یک گاو و در قبال جریمه و فدیة قطع درخت کوچک یک گوسفند می‌باشد و در

چیدن گیاه و چیزهای دیگر هم با تعیین قیمت آن از او آخذ می‌گردد<sup>۱</sup>.

### • از این حکم دو مسأله زیر استثناء می‌گردد.

- ۱- ابن قدامه رحمته الله می‌گوید: (استفاده نمودن از شاخه‌های شکسته که از درخت جدا شده‌اند و برگهای افتاده ایرادی ندارد و امام احمد نیز به آن تصریح نموده و نظر خلافی در این باره وجود ندارد<sup>۲</sup>).
- ۲- چراندن گوسفندان از علف و گیاهان خشک و افتاده حرم که توسط انسان کنده نشده است جایز است و این رأی امام مالک و شافعی است اما ابوحنیفه قائل به منع است<sup>۳</sup>.

### ج: تحریم برداشتن یافته حرم مگر به قصد شناسایی و نگه داشتن آن:

این حکم نیز از خصوصیات و ویژه گیهای مکه می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله حکم چیز یافته شده را در سایر شهرها و مکانها معین کرده است که یابنده آن یک سال آنرا پیش خود نگه می‌دارد پس از یک سال در صورت عدم وجود صاحب آن می‌تواند از آن استفاده نماید. همچنانکه حدیث زید بن خالد رضی الله عنه بر آن دلالت می‌نماید او می‌گوید:

۱- الام امام شافعی (۲۰۸/۲)، المغنی ابن قدامه (۳۵۲/۳).

۲- المغنی (۳۵۶/۳، ۳۶۶)، فتح الباری (۴۸-۴۴/۴).

۳- المغنی (۳۶۶/۳، ۳۶۷).

مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و از او درباره چیزی گم شده که پیدا شده است سؤال نمود، رسول الله ﷺ فرمود: برخی از مشخصات آن (مانند نوع ظرف یا چیزی که دور آن بسته شده است) را تا یک سال، برای مردم اعلام کن، و اگر صاحبش پیدا شد آنرا به او برگردان، و اگر صاحبش پیدا نشد، از آن استفاده کن. فضاله (یکی از صحابه) پرسید: اگر گوسفندی پیدا شود، چه باید کرد؟ رسول الله ﷺ فرمود: آن گوسفند یا از آن تو و یا از آن برادرت خواهد بود، و یا از آن گرگ خواهد شد. فضاله پرسید: اگر شتر گم شده‌ای پیدا شود، چه باید کرد؟ رسول الله ﷺ (از شنیدن آن) به اندازه‌ای خشمگین شد که رخسار مبارکش سرخ گشت و فرمود: تو با شتر چه کار داری؟ (یعنی شتر گم نمی‌شود) زیرا شتر با ذخیره آب و مقاومتی که دارد، هرگاه گرسنه شود، پای درختی می‌رود و تغذیه می‌کند، و هرگاه تشنه شود، آب پیدا می‌کند، تا زمانی که صاحبش پیدا شود.

پس این حکم یافته و چیز پیدا شده است در هر مکانی می‌باشد، اما شیء یافته شده در مکه کسانی از اهل علم مانند امام مالک و ابوحنیفه و به نقل از احمد بر آنند که یافته مکه نیز مانند سایر مکان‌هاست اما بر نگه داشتن آن تأکیدی بیشتری شده است.

و عده‌ای از اهل علم امثال شافعی و در روایتی از احمد و گفته

عبدالرحمن بن مهدی بر این نظرند که نباید یافته مکه برداشته شود مگر کسی که آنرا برمی‌دارد برای نگه‌داری همیشگی از آن و قصد تملک در آن نداشته باشد آنرا بردارد، نظر دوم ارجح‌ترست زیرا یافته مکه و حرم بر طبق سیاق حدیث «وَلَا تُلْتَقَطُ لُقَطُهَا إِلَّا لِمُعَرِّفٍ» برداشتن آن جز برای نگه‌داری همیشگی بدون قصد تملک بعد از یک سال یا هر چند سال دیگر جایز و روا نیست.

این بیان و احکام ویژه حرم مکه می‌باشد استثناء از سایر اماکن دیگر، مانند تحریم صید و کندن درختان آن، چون اگر در گمشده حرم و گمشده غیر حرم تفاوتی نباشد، ذکر این موضوع در اینجا هیچ حکمتی نداشت.

و از جمله کسانی که این قول و نظر را اختیار کرده‌اند؛ امام نووی و حافظ ابن حجر عسقلانی است، و نووی گفته است: معنی حدیث یعنی اینکه برداشتن یافته مکه جز برای کسی که بخواهد آنرا به صاحبش اعلام و معرفی نماید جایز نیست اما کسی که بخواهد آنرا اعلام و سپس به تملک خویش درآورد برداشتن آن برای وی جایز نیست، و ابن حجر هم می‌گوید: با استدلال به حدیث ابن عباس و ابوهریره رضی الله عنهما در این باب یافته مکه نباید به قصد تملیک برداشته شود، بلکه فقط جهت اعلام و نگه‌داری از آن باشد، و جمهور علماء نیز چنین نظری دارند.



از شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته الله در مورد یافته شده حرم سؤال شد که حکم (لُقطه) یافته حرم چیست؟ آیا جایز است آنرا به فقراء بخشید؟ و یا مثلاً در ساختن مسجد خرج نمود؟

جواب دادند: کسی که یافته‌ای را در حرم بیابد بر او واجب است آنرا به مسجد ندهد، و به فقراء و غیره نیز نبخشد، بلکه در محل‌ها و مکان تجمع مردم آنرا اعلام نماید و بگوید این پولها و یا طلاها و هر چیز دیگری متعلق به کیست؟ من آنرا یافته‌ام زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: (جز برای معرف) و در غیر این صورت برداشتن یافته حرم جایز و روا نیست. و هم چنین حرم مدینه، و اگر یابنده آنرا در مکان و جای شیء یافته رها نمود و به آن کاری نداشته باشد ایرادی هم ندارد و اگر آنرا به سازمان و ارگانهای رسمی که دولت حفظ اشیاء یافته را به آنها سپرده است تحویل دهد تکلیف و مسئولیت از عهده او ساقط می‌گردد<sup>۱</sup>.

### ۱۲ - حکم ورود به مکه بدون احرام:

اهل علم اتفاق نظر دارند بر اینکه هر کس به قصد انجام حج یا عمره به مکه وارد شود نباید بدون احرام باشد، اما کسانی که بدون قصد حج و عمره و یا برای رفع نیازهای مکرر خود به آن وارد می‌شوند، و یا ساکنان مکه در

۱- مجموع فتاوی ابن باز (۶/۴۹۹، ۵۰۰).

آن سکونت می‌نماید لازم نیست که هر بار وارد مکه گردند احرام داشته باشند. و امام بخاری رحمته الله در صحیح خود در باب ورود به مکه بدون احرام می‌گوید: ابن عمر بدون احرام داخل شد. و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور به (اهلال) تلبیه گفتن را برای کسی صادر نمود که قصد حج و عمره داشته باشد، و برای هیزم شکن، و کسانی که قصد انجام امور زندگی به مکه وارد شوند دستور به اهلال نداد.<sup>۱</sup>

حافظ ابن حجر می‌گوید: با توجه به مفهوم حدیث ابن عباس «مِمَّنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ» احرام خاص کسانی است که به قصد حج و عمره وارد مکه گردند، و کسانی که بدون قصد و نیت حج و عمره به مکه وارد شوند احرام بر آنان لازم نیست.<sup>۲</sup>

۱- فتح الباری (۵۸/۴).

۲- منبع سابق (۵۹/۴).

**فصل دوم:****مکان‌های بزرگ و با شکوه مکه مکرمه**

مکه‌ی مکرمه با وجود عظمت موقعیت و شکوه منزلت خود، مکانهای عالی و جایگاههای مبارک و مشاعرهای مقدس و آیات آشکار فراوانی که به عظمت و شرافت وی می‌افزایند در خود جایی داده است. و در کتاب و سنت نصوص بر فضیلت و احکام این مکانهای مبارک آمده و طرق مشروع برای تعظیم و عدم تجاوز از تعظیم شرعی آنها را توضیح و تشریح نموده است که به طریق زیر بیان می‌گردد.

**۱ - کعبه و برخی از احکام آن:**

کعبه همان بیت الله الحرام است که در وسط مسجد الحرام واقع شده است، و به شکل مربعی و دروازه آن نسبت به زمین مرتفع است، و بدین نام موسوم است، زیرا همچون کعب (تاس نرد و یا قوزک) مکعب و چهارگوش درست شده است<sup>۱</sup>.

و در قرآن به صورت صریح به کعبه از آن نام برده شده است، و به اسم دیگری نیز آمده، که اسم صریح آن خداوند می‌فرماید: ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ

۱- روایت ازرقی از ابو نعیم در کتاب: أخبار مکه (۲۷۹/۱).

الْبَيْتِ الْحَرَامِ ﴿۹۷﴾. [المائدة: ۹۷].

خداوند کعبه، بیت الحرام قرار داده است.

و از دیگر اسم‌های کعبه بیت می‌باشد که خداوند در سوره بقره و حج از آن به بیت نام می‌برد و می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾. [البقره: ۱۲۷].

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند، (و می‌گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی!

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾. [الحج: ۲۶].

(به خاطر بیاور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند؛ و به او گفتیم:) چیزی را همتای من قرار مده! و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجود‌کنندگان (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز!

و در آیه ۲۹ سوره حج از کعبه به بیت العتیق نام برده شده است: ﴿ثُمَّ

لَيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿۲۹﴾. [الحج: ۲۹].

بعد از آن باید آلودگیها (و زوائد بدن) را برطرف سازند، و به نذرهای خود وفا کنند، و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند. پس منظور از بیت الحرام و بیت العتیق در آیه‌هایی که ذکر شد همان کعبه می‌باشد.

و خداوند ذکر نموده است که ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَامُ دیوارهای کعبه را بالا آورد و کعبه را ساخته است، و در این ساختن پسر وی اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ به او کمک کرده است.

و خداوند حرمت و قداستی برای این خانه قرار داده است که برای هیچ جای دیگری بر روی زمین قرار نداده است. و اینک تعدادی از احکام و آداب مربوط به کعبه را برای شما بیان می‌نمائیم.

### **الف: طواف به دور کعبه:**

خداوند برای هیچ کس بر ساختمان و بنیانی غیر از کعبه خانه مبارک خود اجازه طواف نداده است، و آنرا از بهترین کردارها به حساب آورده است و در قرآن به آن دستور می‌فرماید: ﴿وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾. و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند.

و به ابراهیم خلیل و پسر او اسماعیل امر می‌نماید تا بیت الحرام را برای

طواف کنندگان و عاکفان و رکوع و سجودکنندگان پاک و طاهر نمایند:

﴿وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ [البقره: ۱۲۵].

و خداوند طواف به گرد کعبه را بر هر حج کننده و انجام دهنده عمره‌ای را به عنوان رکنی از حج برای بیت الحرام قرار داده است، و حج و عمره بدون طواف بر کعبه صحیح و روا نیست، و در غیر حج و عمره نیز به انجام آن ترغیب نموده است، و اجر عظیم و بزرگی بر انجام آن قرار داده است، فریبخورده و ضررمند کسی است که انجام آن برایش میسر گردد و او تفریط ورزد.

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که می‌گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌گفت: «مَنْ طَافَ سَبْعًا فَهُوَ كَعَدْلِ رَقَبَةٍ»<sup>۱</sup> هر که هفت بار طواف کعبه را به جایی آورد همچون آزاد کردن برده‌ای است.

و از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما به ثبت رسیده است که می‌گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم می‌گفت: «مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ كَتَبَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ حَسَنَةً»

۱- سنن النسائی (۲۲۱/۵) و آلبانی آنرا صحیح دانسته (۲۷۳۲).

و محاً عنه سیئه»<sup>۱</sup>.

(هر کسی به دور بیت طواف کند خداوند برای هر گامی که برمی‌دارد یک حسنه برای وی می‌نویسد و یک سیئه را از دفتر عمل وی محو و پاک می‌نماید.

همچنان خداوند بر هر حج‌گزاری که بخواهد از مکه خارج گردد واجب کرده است که با کعبه و طواف وداع و خداحافظی انجام دهد، و بخاری در صحیح خویش از ابن عباس رضی الله عنه نقل می‌نماید که ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: «أمرَ الناس أن يكونَ آخرَ عهدهم بالبیت، إلاَّ أنَّه خفف عن الحائض» به مردم امر شده است که آخرین پیمان و دیدارشان با بیت باشد، ولی زن حائض از این طواف و دیدار آخر با بیت معاف شده است.<sup>۲</sup>

و در روایت مسلم از ابن عباس رضی الله عنه که می‌گوید: مردم از هر طرفی از مکه

۱- ترمذی در «الحج» شماره (۹۵۹) و حاکم (۴۸۹/۱) و ابن خزیمه شماره (۲۷۵۳)، و ابن حبان (۱۰/۹) شماره (۳۶۹۷) و در سند آن نزد آنان عطاء بن السائب می‌باشد که او از نظر حفظ و اتقان ضعیف است به سبب خرف شدن او در آخر عمرش، ولی نزد امام احمد (۱۱/۲) از طریق سفیان بن عیینه روایت دیگری است که حدیث را به درجه بالا می‌برد، و سفیان کسی است که قبل از خرف شدن عطاء از او حدیث روایت کرده است، و همچنین سفیان ثوری نیز نزد ابن حبان (۱۲/۹). پس با این روایات حدیث به درجه قوی می‌رسد، چون هر دو سفیان روایتشان از عطاء قبل از خرف شدن او بوده است. نگا: السلسله الصحیحه، الألبانی (۴۹۷/۶).

۲- بخاری با فتح الباری (۵۸۵/۳).

برمی گشتند پیامبر ﷺ فرمود: «لَا يَنْفِرُنَّ أَحَدٌ حَتَّى يَكُونَ آخِرَ عَهْدِهِ بِالْبَيْتِ»<sup>۱</sup>.

هیچ کس در رفتن شتاب نکند تا اینکه آخرین طواف را با بیت انجام دهد.

و خداوند از منع طواف کننده گان در هر وقت که بخواهد بر حذر نموده است، از جبیر بن مطعم رضی الله عنه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله گفت «یا بنی عبد مناف، لا تمنعن أحدًا طاف بهذا البيت، وصلی أي ساعة شاء من ليل أو نهار»<sup>۲</sup>. (ای بنی عبدمناف هیچ کسی را که این بیت را طواف کند منع نکنید، و هر ساعتی از شب یا روز بخواهد نماز بخواند).

### ب: کعبه قبله زنده‌ها و اموات مسلمانان است

خداوند کعبه بیت الحرام خود را قبله گاه مسلمین قرار داده است که در نماز برای پروردگار خویش به آن روی کنند، خداوند با حالت دستور به پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاده خود می فرماید: ﴿قَوْلٍ وَجَهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾.

۱- مسلم (۹۶۳/۲).

۲- أبوداود شماره (۱۸۹۴)، و ترمذی و آنرا صحیح شمرده است، شماره (۸۶۸)، و نسائی شماره (۵۸۵، ۲۹۲۴)، و ابن ماجه شماره (۱۲۵۴)، و ابن خزیمه در صحیحش شماره (۲۷۴۷)، و ابن حبان در صحیحش شماره (۱۵۵۲)، و حاکم و آنرا صحیح شمرده است (۴۴۸/۱).



[البقره: ۱۴۴] - رو به مسجد الحرام کن.

و در بخاری از حدیث ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله دو رکعت در برابر قبله رکوع نمود (نماز خواند) و گفت: این قبله است.<sup>۱</sup>

و در صحیح سنن نسائی از حدیث اسامه بن زید روایت گردیده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از کعبه بیرون آمد و در روبروی کعبه دو رکعت نماز به جا آورد، سپس فرمود: این قبله است<sup>۲</sup> (دو بار آنرا تکرار کرد).

پس جهات چهارگانه آن قبله است، نماز هیچ نمازگزاری صحیح نیست تا اینکه با چشم خود به آن روی نماید، اگر آنرا می بیند و در نزدیکی کعبه است، و هر وقت نمازگزار عمداً از آن روی برگرداند باید نماز خویش را اعاده کند، و اگر از آن دور باشد می بایست به ناحیه و طرف آن روی کند.<sup>۳</sup>

نماز نافله برای مسافر از این قاعده مستثنی گردیده است، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که به علت آسانی بر امت خود به نقل از جابر رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله در سفر بر مرکب خود به هر جا و مکانی که روی می نمود نماز نافله را به جای می آورد، اما اگر می خواست نماز فرضی را بخواند از مرکب پیاده و فرود می آمد و به قبله

۱- بخاری (۵۰۱/۱).

۲- مسلم بنحو آن - شماره حدیث (۱۳۳۰).

۳- تفسیر قرطبی و ذکر نموده که خلافتی در این بین علماء وجود ندارد (۱۶۰/۲)، چاپ سوم ۱۳۸۶ هـ.

روی می نمود.<sup>۱</sup>

و بنا بر حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که در صفحه ... گذشت «قبلتکم أحياءً وأمواتاً»<sup>۲</sup> کعبه همانطور که در زمان حیات مسلمان قبله گاه وی است، در زمان مرگ مسلمان هم قبله گاه او می باشد، مرده بر طرف راست در قبر گذاشته می شود، و صورت او رو به قبله می باشد، و سر و پاهای وی به طرف راست و چپ قبله می باشند، و بنابراین از زمان رسول الله صلی الله علیه و آله تا به امروز عمل مسلمانان بدین منوال بوده است، و تمام قبرستانهای مسلمانان بر روی زمین همین طور می باشند.<sup>۳</sup>

### ج: نهی از روی و پشت نمودن به قبله در هنگام قضای حاجت:

جهت تعظیم و تجلیل حرمت کعبه پیامبر صلی الله علیه و آله از استقبال و پشت نمودن به قبله در هنگام قضای حاجت نهی نموده است، بخاری و مسلم از ابو ایوب انصاری رضی الله عنه نقل می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: (هر گاه قضای حاجت نمودید به قبله رو نکنید، و به آن هم پشت نکنید، ولیکن طرف راست یا چپ را به آن بنمائید. ابو ایوب می گوید: به طرف شام رفتیم دستشویی و

۱- بخاری (۵۰۳/۱).

۲- تخریج آن در ص (69) گذشت.

۳- نگا: المحلی لابن حزم (۱۷۳/۵).

مستراحهایی دیدیم که به طرف قبله ساخته شده بودند و روی بر می‌گرداندیم و از خداوند طلب آمرزش می‌کردیم.<sup>۱</sup>

مسلم از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت می‌کند که به او (سلمان) گفته شد:

پیامبر شما هر چیزی را به شما یاد داده است حتی مستراح رفتن را؟ سلمان گفت: آری، ما را نهی نموده است که در هنگام بول و غائط به قبله رو کنیم، و با دست راست استنجا (خود تمیز نمودن از بول و مدفوع) نکنیم و یا به کمتر از سه سنگ استنجا نمائیم، و یا اینکه با مدفوع و استخوان استنجا نمائیم.<sup>۲</sup>

ظاهر این احادیث دلالت دارد بر منع استقبال و استدبار از قبله در هنگام قضای حاجت چه در صحرا و یا ساختمان باشد. و روایات دیگری وجود دارند که بیانگر این می‌باشد که این منع مربوط به صحرا می‌باشد، از جمله روایت بخاری و مسلم از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که ابن عمر می‌گفت: برخی مردم می‌گویند: هنگام نشستن برای قضای حاجت به قبله و بیت المقدس روی نکن، و ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: که روزی به پشت بام خانه‌مان رفتم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم روی به بیت المقدس بر دو خشت برای قضای حاجت

۱- بخاری (۲۴۵/۱)، (۴۹۸/۱) مسلم (۲۲۴/۱).

۲- مسلم (۲۲۳/۱).

نشسته بود. و مسلم روایت را با این عبارت از ابن عمر روایت می‌نماید که ابن عمر می‌گوید: بر پشت بام خانه خواهرم حفصه بالا رفتم پیامبر ﷺ را دیدم که برای حاجت خویش نشسته بود و به شام روی کرده بود و به قبله پشت کرده بود<sup>۱</sup>.

و در هماهنگی میان دو نظر آراء و اقوال اهل علم متعدد و فراوان است، جمهور علماء بر جمع میان نصوصی قائل‌اند به اینگونه که در صحرا و فضای باز منع است، و در داخل ساختمان و بناء مباح است. و حافظ ابن حجر رحمته الله درباره این نظر (جمهور) می‌گوید: این قول به علت در برگرفتن و شامل شدن تمام ادله بر آن متعادل‌ترین اقوال است.

#### **د: استحباب نماز در داخل کعبه برای کسی که برایش میسر گردد:**

خواندن نماز برای کسی که بدون دردسر و اذیت برایش میسر گردد مستحب است، به دلیل اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه وارد کعبه شد و در آن دو رکعت نماز خواند، بخاری از سالم از پدرش روایت کرده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و اسامه بن زید و بلال و عثمان بن طلحه وارد کعبه شدند و در را بر روی خود بستند، وقتی در را گشودند اولین کسی که وارد شد من

بودم، به بلال برخورد نمودم از او سؤال کردم آیا پیامبر ﷺ در آن (کعبه) نماز خواند گفت: آری، میان دو ستون یمانی نماز را به جای آورد<sup>۱</sup>.  
و هر کسی دخول کعبه برایش میسر گردد جایز است در هر طرف آن نماز بخواند<sup>۲</sup>. نافع از ابن عمر رضی الله عنهما این قول را ذکر کرده است.  
این استحباب مربوط بود به نماز نفل، اما در جواز خواندن نماز فرض در داخل کعبه میان اهل علم اختلاف است<sup>۳</sup>.  
و خواندن نماز در حجر<sup>۴</sup> همچون نماز داخل کعبه است زیرا حجر هم قسمتی از کعبه است - همچنانکه مفصلاً بیان می‌گردد.

### هـ: پایان و آخر کعبه:

خداوند در قرآن کریم از قیامت خبر داده است، و پیامبر اکرم ﷺ نیز در سنت خویش از آن خبر داده است، و برای قیامت علائم و شرطهای بزرگی که خداوند از آنها خبر داده قرار داده شده است، و از بزرگترین علائم آن تخریب و ویران شدن کعبه مشرفه می‌باشد، به طوری که بعد از آن دیگر آباد

۱- بخاری با فتح (۴۶۳/۳) و مسلم (۹۶۶/۲).

۲- بخاری با فتح الباری، شماره (۵۰۶، ۱۵۹۹).

۳- فتح الباری، (۴۶۳/۳).

۴- قسمتی از زمین خانه کعبه که ابراهیم آنرا جزء خانه کرد، به حجر الکعبه و حجر اسماعیل هم مشهور است.

و ساخته نخواهد شد، و آن روزی است که کسی بر روی زمین نمی ماند تا الله الله بگوید.

بخاری و مسلم در صحیحین خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «يُخْرَبُ الكعبة ذو السويقتين من الحبشة»<sup>۱</sup>.  
(ذو سويقتین از حبشه کعبه را ویران می نمایند از آمدن چنین وقتی به خدا پناه می جوئیم).

## ۲ - حَجَرُ الْأَسْوَدِ:

سنگی است در مکه در قسمت شرقی کعبه نصب شده است، و در نقطه مقابل و روبروی آن طواف گرد کعبه شروع می گردد، و از آیات و نشانه های آشکار در حرم امن الهی است. جهت سخن از جایگاه و احکام و آداب مربوط به آن به ذکر مسائل زیر می پردازیم.

## الف: حَجَرُ الْأَسْوَدِ از بهشت است:

روایاتی وارد گشته است که اثبات کننده ورود حجرالاسود از بهشت می باشد، که سفیدتر از شیر بوده است، ولیکن گناهان و ناروایهای بنی آدم آنرا سیاه و تیره نموده است.

۱- بخاری (۴/۴۵۴) و مسلم (۴/۲۳۳۲).

نسائی در سنن خود از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ مِنَ الْجَنَّةِ»<sup>۱</sup>.

و ترمذی نیز آنرا با عبارت دیگری از ابن عباس رضی الله عنه روایت نموده است «نَزَلَ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ مِنَ الْجَنَّةِ وَهُوَ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ فَسَوْدَتْهُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ»<sup>۲</sup>.

حجرالاسود از بهشت فرود آمده است از شیر سپیدتر بوده است ولی گناهان فرزندان آدم آنرا سیاه کرده است. و اگر اثر گناهان بر جمادات اینگونه می‌باشد، پس اثر آن بر دلها چگونه باشد؟ پناه به خدا.

### ب: حجر الاسود بوسیده و لمس می‌گردد و بر او سجده برده می‌شود:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طریقه مشروع تجلیل از حجرالاسود را به ما آموزش داده است، هر کس بخواد کعبه را طواف نماید، طواف خود را از آن آغاز می‌کند، و اگر ممکن شود سنت است که آنرا ببوسد، و اگر امکان بوسیدن فراهم نشد با دست آنرا لمس کند و بر روی آن دست بکشد، سپس دست

۱- نسائی، (۲۲۶/۵)، آلبانی آنرا صحیح دانسته است صحیح سنن نسائی (۶۱۶/۲) شماره (۲۷۴۸).

۲- سنن الترمذی، (۲۲۶/۳)، وابن خزیمه در صحیح (۲۱۹/۴-۲۲۰) آنرا صحیح دانسته است، و آلبانی در صحیح ترمذی (۲۶۱/۱) شماره (۶۹۴) آنرا صحیح دانسته است..

خویش را ببوسد، و یا با عصا و یا چوبی آنرا لمس نماید، و آنچه از عصا که با سنگ تماس پیدا کرده است ببوسد، و اگر به خاطر ترس از اذیت و آزار دیگران امکان بوسیدن یا لمس نمودن فراهم نشد، از دور با دست به عنوان ماچ و بوسیدن و یا لمس، به آن اشاره نماید، و همراه با آن تکبیر گوید، و از دلایل بوسیدن و لمس کردن آن می‌توان به روایات زیر اشاره کرد.

بخاری در صحیح خویش از الزبیر بن عربی روایت کرده است: که مردی از لمس کردن حجرالاسود از ابن عمر رضی الله عنهما سؤال نمود، ابن عمر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیده‌ام آنرا لمس و بوسه می‌زد<sup>۱</sup>.

در مسلم از نافع روایت شده است که گفته است: ابن عمر را دیدم حجر الاسود را لمس کرد و دست خود را بوسه زد و گفت: از وقتیکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیده‌ام که این عمل را انجام می‌داد من هم آنرا ترک ننموده‌ام<sup>۲</sup>.

امام مسلم از ابوظیفیل رضی الله عنه نقل کرده است که می‌گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم کعبه را طواف می‌کرد و با عصای سرخمیده‌ای (قلاب) که همراه داشت و حجرالاسود را با آن لمس می‌کرد و عصا را می‌بوسید<sup>۳</sup>.

و بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر شتری

۱- بخاری با فتح الباری، (۴۷۵/۳).

۲- مسلم (۹۲۴/۲).

۳- مسلم (۹۲۷/۲).



کعبه را طواف می نمود و هر بار که به قسمت اصلی محل سنگ می رسید به چیزی که همراه داشت به آن اشاره می کرد و تکبیر می گفت<sup>۱</sup>.

مسلم از سوید بن غفله نقل می نماید: که عمر رضی الله عنه را دیدم سنگ را بوسید و آنرا در آغوش گرفت و به آن چسباند و می گفت: (عمر) پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده ام که نسبت به تو تجلیل می کرد<sup>۲</sup>.

و در صحیح ابن خزیمه از جعفر بن عبدالله روایت شده است که گفته است: محمد بن عباد بن جعفر را دیده ام سنگ را می بوسید و بر آن سجده می کرد، سپس گفت: دایی شما ابن عباس را دیدم آن را می بوسید و بر آن سجده می نمود، و ابن عباس گفته است عمر بن خطاب را دیدم سنگ را بوسیده و بر آن سجده می کرد، سپس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم چنین می کرد من نیز آنرا انجام دادم<sup>۳</sup>.

ابن خزیمه رحمته الله این حدیث را در بابی به عنوان (سجده بر حجر الأسود اگر بدون آزار مسلمانان ممکن باشد) ذکر کرده است.

بوسه زدن بر حجرالاسود و لمس نمودن آن و سجده بر آن برای خداوند، تماماً امر مشروع و مستحباند، و در شرع به آن ترغیب شده

۱- بخاری (۴۷۶/۳).

۲- مسلم (۹۲۶/۲).

۳- صحیح ابن خزیمه (۲۱۳/۴) و اسناد آن صحیح است.

است، و دارای اجر و ثواب است، و فاعل آن به تبعیت از سنت به انجام آن می‌پردازد، و نه به گمان اینکه این سنگ سود و ضرری را عاید وی می‌سازد، همچنانکه برخی نادانان گمان می‌کنند، و به همین علت خلیفه راشد عمر فاروق رضی الله عنه به آن تذکر و هشدار داده است، چون به نزد حجرالاسود آمد آنرا بوسید و بعد از آن گفت: من می‌دانم که تو سود و زیان نمی‌رسانی و اگر پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی‌دیدم که تو را می‌بوسید بر تو بوسه نمی‌زدم<sup>۱</sup>.

### ج: مسح بر حجرِ الاسود گناهان را می‌زداید:

امام نسائی در سنن خود از عبید بن عمیر روایت کرده است که مردی به ابن عمر رضی الله عنهما گفت: ای ابا عبدالرحمن چرا من شما را می‌بینم که این دو قسمت را لمس می‌کنی، گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم می‌گفت: «إِنَّ مَسْحَهُمَا يَحُطُّانِ الْخَطِيئَةَ»<sup>۲</sup>.

(مسح اینها گناه را می‌زداید).

پس هر که با صدق و اخلاص این عبادت را انجام دهد ثواب و اجر بزرگی نصیب وی خواهد گشت.

۱- بخاری (۴۶۲/۳) کتاب حج.

۲- نسائی (۲۲۱/۵) و آلبانی آنرا صحیح دانسته است (۲۷۳۲).

### د: هر کس حجرالاسود را با رعایت حقوق دیگران لمس نماید روز قیامت برای او شهادت و گواهی می‌دهد:

ابن خزیمه در صحیح خود و امام احمد در مُسند و حاکم در مُستدرک از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «إِنَّ لِهَذَا الْحَجَرِ لِسَانًا وَشَفَتَيْنِ يَشْهَدُ لِمَنْ اسْتَلَمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِحَقِّ»<sup>۱</sup>. این سنگ دارای زبان و دو لب است، و هر کس با رعایت حق دیگران آنرا لمس نماید روز قیامت برای وی گواهی دهد.

و لذا کسی که می‌خواهد آنرا لمس نماید روا نیست هنگام لمس طواف کنندگان را آزار و اذیت نماید، و اگر چنین کند لمس وی به غیر حق بوده، و به علت ضرر و اذیت مسلمانان اجر وی از دست می‌رود. و روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عمر رضی الله عنه دستور داد. ای عمر تو مرد قوی و نیرومندی می‌باشی و مردم ناتوان و ضعیف را اذیت می‌نمایی پس هرگاه خلوت بود آنرا لمس نما و در غیر این صورت تکبیر کن و بگذر.<sup>۲</sup>

و ابن عباس رضی الله عنه گفته است: اگر قسمت اطراف حجرالاسود شلوغ بود پس

۱- صحیح ابن خزیمه (۲۲۱/۴)، مسند احمد (۲۶۶/۱)، مستدرک حاکم (۴۵۷/۱) و ذهبی آنرا صحیح دانسته و با

حاکم موافق است، و آلبانی آنرا در صحیح ابن ماجه (۱۶۰/۲) شماره (۲۳۸۱) آنرا صحیح دانسته است.

۲- اخبار مکه ازرقی (۴۳۳/۱) و در اسناد آن مردی مجهول است.

سبب آزار خود و دیگران نشوید!.

در هنگام ازدحام نهی بر زنان شدت می‌یابد، و عطاء بن رباح زنی را دید خواست که رکن (حجر الأسود) را لمس نماید، عطاء بر وی داد کشید که: زنان نباید آنرا لمس نمایند، و این نهی هنگام ازدحام و وجود مردان بیگانه است. و همچنان اموری که برخی از عامه مردم به خاطر لمس حجرالاسود قبل از سلام دادن امام نماز را قطع می‌نمایند جایز و روا نمی‌باشد.

### **هـ برای طائف سنت است هر بار که از کنار حجر الأسود بگذرد تکبیر گوید:**

- در آغاز هر طواف بر کعبه، تکبیر می‌نماید تا طواف خویش را به حجرالاسود به اتمام رساند، همانگونه که از آن آغاز نموده است و در طواف پایانی در برابر حجرالاسود نیز تکبیر می‌نماید، پس تعداد تکبیراتی که طائف در طواف خود به آن می‌پردازد هشت تکبیر می‌باشد<sup>۱</sup>.

بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌نماید: که پیامبر صلی الله علیه و آله بر شتری کعبه را طواف نمود هر بار که به قسمت سنگ می‌رسید با چیزی که همراه داشت به

۱- اخبار مکه ازرقی (۱/۳۳۴).

۲- فتاوی اللجنه الدائمه (۱۱/۲۲۴، ۲۲۵).

آن اشاره می‌کرد و تکبیر می‌نمود.<sup>۱</sup>

و عده‌ای از اهل علم بر این‌اند که بر هفت تکبیر اکتفا گردد زیرا تکبیر در نوبت اول است و در وهله آخر آن تکبیر نیست.<sup>۲</sup>

و درباره نحوه تکبیر نزد حجرالاسود از ابن عمر رضی الله عنهما وارد گشته است هنگام لمس حجر الأسود بسم الله والله أكبر اضافه گردد.<sup>۳</sup>

### ۲ - رکن یمانی کعبه:

رکن جنوب غربی کعبه می‌باشد و سنت است به جای بوسه زدن بر آن دست مالیده شود، و پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن دست می‌مالید، و با دست شریف خویش آنرا مسح می‌نمود و همچنان که در حدیث ابن عمر رضی الله عنهما گذشت که می‌گفت: (ندیدم پیامبر صلی الله علیه و آله جز این دو رکن یمانی چیزی از بیت را لمس نموده باشد).<sup>۴</sup>

### ۴ - ملتزم:

و آن مکان التزام در کعبه می‌باشد که در بین حجرالاسود و باب کعبه واقع

۱- بخاری (۴۷۶/۳).

۲- شرح ممتع شرح زاد المتنتع ابن عثیمین (۲۸۱/۷).

۳- بیهقی در سنن الکبری (۷۹/۵) با سند صحیح روایت کرده است.

۴- مسلم (۹۲۴/۲).

شده است، همچنانکه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفته است: ملتزم میان رکن و باب کعبه می باشد<sup>۱</sup>.

امام ابن تیمیّه رحمته الله می گوید: و اگر طائف دوست بدارد و بخواهد که عمل التزام را انجام دهد که میان حجرالاسود و باب کعبه است، سینه و صورت و ساعد و کف دستان خود را بر روی آن می گذارد و دعا می نماید و نیاز خود را از خدا می طلبد، و می تواند آنرا قبل از طواف وداع هم انجام دهد، و این التزام در حال وداع و غیر آن هم جایز است، و صحابه آنرا هنگام دخول به مکه انجام می دادند.

و اگر بخواهد می تواند دعای مأثور و منقول از ابن عباس را در دعای خویش بگوید: «اللهم إني عبدك وابن عبدك وابن أمتك، حملتني على ما سخرت لي من خلقك، وسيرتني في بلادك، حتى بلغتني بنعمتك إلى بيتك، وأعتنتني على أداء نسكي، فإن كنت رضيت عني فازدد عني رضى، وإلا فمَنْ الآن فارضَ عني، قبل أن تنأى عن بيتك داري، فهذا أوان انصرافي إن أذنت لي، غير مستبدل بك، ولا ببيتك، ولا راغب عنك، ولا عن بيتك، اللهم فأصحبني العافية في بدني، والصحة في جسمي، والعصمة في ديني، وأحسن منقلي، وارزقني طاعتك ما أبقيتني، واجمع لي بين خيري الدنيا والآخرة، إنك

۱- مصنف عبدالرزاق صنعانی (۷۵/۵) با اسناد صحیح.

علی کل شیءٍ قدیر»<sup>۱</sup>.

پروردگارا! من بندهٔ تو و پسر بنده و کنیز تو، مرا بر آنچه از مخلوق خود که برای من مسخر گرداندی حمل نمودی و مرا در شهرهای خویش گردانیدی تا با نعمت مرا به خانهات رساندی، و مرا بر ادای مناسکم یاری نمودی، پس اگر از من راضی گشته‌ای رضایت را از من افزایش دهید، وگرنه اکنون از من راضی شو قبل از اینکه بار و بنه‌ام از خانهٔ تو دور گردد، این سرآغاز انصراف و برگشتم است اگر رخصت فرمایی، و تو و بیت تو را با هیچ چیز عوض ننمایم، چیزی بر تو و بر خانهات ترجیح ندهم، خدایا عافیت و تندرستی را در جسمم قرار دهید، تا مرا باقی می‌گذاری طاعتت را نصیبم نما، خیر دنیا و آخرت برای من جمع و فراهم نما. بیگمان تو بر هر چیز توانایی.

#### ۵ - حجر:

حجر به کسر حاء و سکون جیم قسمت نیم دایره‌ای شکل است که در شمال کعبه واقع است، و جزئی از کعبه می‌باشد، و چون قریش وقتی که کعبه را بناء نمودند در مصالح مالی کم آوردند و بناء آن بر طبق قواعد

۱- مجموع فتاوی ابن تیمیه (۱۴۲/۲۶).

ابراهیم کامل نگشت و بر مواقع اصلی ابراهیم محدود گشت و به این خاطر به آن حِجْر (محدود) گفته‌اند.

و مسلم از عائشه رضی الله عنها روایت می‌نماید که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عائشه رضی الله عنها گفت: قوم تو از ساختن بیت به علت کمبود هزینه بناء را کامل ننمودند و اگر نومسلمان نمی‌بودند آنچه را که ترک نموده‌اند برمی‌گرداندم، و اگر بعد از من خواستند آنرا بسازند بیا تا به تو نشان دهم آنچه را که ترک و باقی گذاشته‌اند، و به او نشان داد حدود هفت ذراع بود.<sup>۱</sup>

پس این همان مقدار و اندازه‌ای است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تعیین کرده است که جزء بیت است، اگر چه بنائی که امروزه اطراف حجر است بسیار وسیعتر از این مقدار است پس باید نمازگزار مقدار معین در حدیث را رعایت کند.

و نماز خواندن در حِجْر همچون نماز داخل کعبه است چون قسمت و بخشی از کعبه است، به این علت عبدالرزاق از عائشه رضی الله عنها روایت نموده است که عائشه رضی الله عنها گفته است: دوست داشتم که وارد بیت شوم در آن نماز بخوانم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستم را گرفت مرا داخل حجر برد و به من گفت: هر گاه خواستی داخل کعبه نماز بخوانی در حجر نماز بخوان، زیرا حِجْر



قطعه‌ای از کعبه است، ولکن قوم تو وقتی کعبه را ساختند در آن کوتاهی کردند و آنرا از بیت خارج نمودند.

و بنابر دلایلی که گذشت طواف کننده کعبه لازم است از پشت حجر طواف نماید، چون حجر نیز جزء کعبه می‌باشد.

و از اشتباهاتی شایع میان مردم نام‌گذاری آن به (حجر اسماعیل) است و این نام‌گذاری نادرست است. و اشتباه از این بزرگتر آنکه برخی مردم عوام گمان می‌برند که اسماعیل علیه السلام و انبیائی دیگر در آن مدفون می‌باشند.

### ۶ - مقام ابراهیم :

و مقام ابراهیم در حرم خداوند یکی از آیات بینات و روشن است، و در آثار وارد گشته است که مقام ابراهیم همان سنگی است که هنگامی که دیوار کعبه مرتفع گشت ابراهیم خلیل علیه السلام جهت دسترسی به ساخت دیوار آنرا زیر پا گذاشت و بعد از اینکه ساخت کعبه را به کمال رساند بر بالای آن سنگ مردم را به سوی حج فرا خواند!

و مساله بنای کعبه توسط ابراهیم با همیاری اسماعیل در صفحه (۳۶) از آن بحث شد. ... و اسماعیل سنگ می‌آورد و ابراهیم آنرا می‌ساخت تا اینکه

خانه ارتفاع یافت و حجرالاسود را آورد و آنرا گذاشت، ابراهیم می ساخت و اسماعیل به وی سنگ می داد، و می گفتند: ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾. [البقره: ۱۲۷].

پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی!  
و خداوند با ذکر آن در کتاب خویش آنرا ستوده و آنرا در شمار آیات  
بینات حرم پر امن و امان خویش ذکر نموده است: ﴿فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ  
إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا﴾. [آل عمران: ۹۷].

در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل  
آن (خانه خدا) شود؛ در امان خواهد بود.

ابن جریر رَحِمَهُ اللهُ در تفسیر آیه گوید: نخستین خانه‌ای که برای مردم و  
نیایش خداوند قرار داده شده همان است که در سرزمین مکه است که  
پربرکت و مایه هدایت جهانیان است در آن نشانه‌های روشن و آثاری از  
قدرت خداوند، و آثاری از خلیل او ابراهیم رَحِمَهُ اللهُ وجود دارد، از جمله آثار  
آن اثر قَدَمِ ابراهیم رَحِمَهُ اللهُ در سنگی که بر آن قیام کرد!

ابن جوزی رَحِمَهُ اللهُ می گوید: همواره آثار قَدَمِ ابراهیم رَحِمَهُ اللهُ در مقام حاضر و

قابل مشاهده است، نزد اهل حرم معروف و مشهور است و حتی اینکه ابوطالب در قصیده مشهور خود می‌گوید:

وموطئ ابراهیم فی الصخر رطبة علی قدمیه حافياً غیر ناعل<sup>۱</sup>

و آنچه در فضیلت مقام ابراهیم در کتاب و سنت آمده است عبارت است از:

**ألف:- خداوند برای کسی که طواف بیت الحرام نماید دستور داده است تا آنرا به مصلی اتخاذ نماید:**

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ [البقره: ۱۲۵].

از مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود انتخاب کنید.

و بخاری از حدیث انس رضی الله عنه روایت کرده است که عمر رضی الله عنه گفت: (در سه چیز موافقه خداوند نمودم و یا خداوند با من موافقت نمود، گفتم: ای رسول خدا کاش مقام ابراهیم را به مصلی اتخاذ می‌نمودی)<sup>۲</sup>.

و خواندن نماز بعد از طواف پشت مقام سنت رسول الله صلی الله علیه و آله است، نسائی از ابن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند که ابن عمر رضی الله عنهما گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله قدم کرد و هفت بار بیت الله را طواف نمود و پشت مقام دو رکعت نماز به

۱- ابن حجر از ابن جوزی در فتح الباری (۱۶۹/۸) نقل کرده است، وابن کثیر بنحو آن در تفسیر (۱۷۰/۱) گفته است.

۲- بخاری (۶۸/۸).

جای آورد و بین (کوه) صفا و مروه هم سعی نمود، و گفت: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾<sup>۱</sup>.

پیامبر ﷺ برای شما در زندگی سرمشق نیکویی بود.

جابر رضی الله عنه می گوید: پیامبر ﷺ هفت بار خانه خدا را طواف نمود، در سه بار آن هروله<sup>۲</sup> نمود، و چهار بار هم به صورت راه رفتن معمولی طواف انجام داد، و سپس در مقام قیام کرد و دو رکعت نماز را به جای آورد، و بعد از آن آیه: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ را با صدای بلند خواند، به طوری که مردم آنرا می شنیدند.<sup>۳</sup>

باید مردم بدانند که هر کسی به سبب ازدحام جمعیت نتوانست در پشت مقام نماز را به جای آورد، می تواند در هر مکانی از مسجد الحرام نماز را اقامه نماید. شیخ عبدالعزیز بن باز رَحِمَهُ اللهُ می گوید: (واجب نیست بر طائف که پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز بخواند، ولیکن هر گاه بدون مشقت و اذیت برای او میسر و فراهم گردید مشروع است. و اگر آنرا در هر مکان و جایی از مسجد الحرام، و یا در هر مکانی از حرم به جای آورد مأجور خواهد شد، و

۱- بخاری شماره (۳۹۵، ۱۶۲۳، ۱۶۴۵، ۱۶۴۷، ۱۷۹۳) و مسلم شماره (۱۲۳۴).

۲- هروله: نوعی حرکت بین راه رفتن و دویدن است.

۳- جزوی از حدیث جابر در صفت حج رسول الله ﷺ در صحیح مسلم (۸۷/۲) شماره (۱۲۱۸).

مشروع نیست به خاطر ادای آن در دور مقام مزاحمت را برای سایر طائفین ایجاد نماید.

بلکه لازم است از ازدحام دوری نماید و در سایر نقاط مسجد الحرام آنرا به جای آورد، چون عمر رضی الله عنه دو رکعت نماز طواف را در برخی از طواف‌های خود در **ذی طوی** که جزء حرم است اما خارج از مسجد الحرام به جای آورد. و همچنین **أم سلمه** رضی الله عنها نماز طواف الوداع را خارج از مسجد الحرام خواند و ظاهراً علت آن ازدحام جمعیت بوده است، و یا با این کار خواسته است برای مردم وسعت شرعی این امر را تبیین کرده باشد<sup>۱</sup>.

پس عمل مشروع نزد مقام همین است، که عبارت است از نماز خواندن پشت آن برای کسی که میسر گردد گرچه از آن دور باشد، و اما مسح بر روی آن و تبرک جستن و بوسیدن آن، همه این موارد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد نشده است و برای این امت مشروع نگردیده است، قتاده رضی الله عنه در توضیح **﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾** می‌گوید: همانا امر شده‌اند که نزد مقام نماز بخوانند و به مسح آن امر نشده‌اند...<sup>۲</sup>.

۱- مجموع فتاوی و مقالات متنوعه (۲۲۸/۱۸).

۲- ابن جریر اخراج نموده است (۳۵/۳) شماره (۲۰۰۰) با اسناد صحیح به قتاده، و ازرقی در اخبار مکه (۲۹/۲) روایت نموده است، نگاه: الحوادث والبدع، طرطوشی ص ۱۰۳.

**ب: مقام ابراهیم ؛ مکان دعوت و اعلان ابراهیم به حج است:**

از فضیلت مقام ابراهیم این است که بعد از اینکه ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ ساختن بیت را به پایان رساند پروردگارش به او امر نمود تا در میان مردم فریضه حج را اعلام نماید، تا به سوی بیت خداوند بشتابند و به حج لبیک گویند: اینکه خداوند در کتاب شریف بیان می‌دارد: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ [الحج: ۲۷].

و مردم را دعوت عمومی به حج کن، تا پیاده و سواره بر مرکبهای (شترهای) لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند).

و خلیل الرحمن عَلَيْهِ السَّلَامُ همانطور که خداوند به وی دستور داده بود بر مقام برخواست و در میان مردم حج را اعلان نمود.

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: ابراهیم بر سنگ قیام نمود و گفت: ای مردم حج بر شما فرض گردیده است و کسانی که در صلب و پشت مردان و رحم زنان بودند آنرا شنیدند، و هر کسی ایمان آورده بود دعوت وی را اجابت کرد و پذیرفت، و نیز کسانی که در علم خداوند تا قیامت سبقت رفته بود که حج می‌نمایند به آن لبیک می‌گویند<sup>۱</sup>.

۱- ابن حجر در فتح الباری (۴۰۶/۶) سند آنرا صحیح دانسته است.

## ۲- زمزم:

زمزم نام چاهی است که در شرق حجرالاسود و جنوب مقام ابراهیم کنونی واقع شده است و از زمزمه، به معنی مطلق صوت گفته شود، مشتق شده است. و ابن قتیبه می‌گوید: من ندیده‌ام که عرب زمزم را جز برای صدای آب هنگام ظهور آن به کار برده باشند<sup>۱</sup>.

و قصه به وجود آمدن و آغاز و بدایت زمزم در حدیث ساختن بیت در صفحه (۱۷) ذکر گردید که: وقتی که بر کوه مروه صعود کرد صدایی را شنید به خود گفت: ساکت شو، دوباره آنرا شنید، و گفت اگر مدد (آب و نانی) با خودداری صدایت را شنیدم، به سمت صدا رفت، در مکان زمزم با فرشته‌ای روبرو گردید، فرشته با عقب خود، - یا گفت: با بال خود - به (زمین زد) تا اینکه آب نمایان و ظاهر گشت، و با دستان خویش برای آن آبیگری درست کرد، و آب را در مشک خویش می‌ریخت و بعد از آنکه در مشکش ریخت آب فوران کرده و بالا می‌آمد. ابن عباس رضی الله عنهما گفته است که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: خداوند مادر اسماعیل را بیامرزد اگر زمزم را آزاد می‌گذاشت (و آبیگری نمی‌ساخت و با مشت پر نمی‌کرد) زمزم چشمه روان و پرآبی می‌بود، می‌گوید: مادر اسماعیل آب را نوشید و بچه‌اش را شیر داد<sup>۲</sup>.

۱- غریب الحدیث (۵۰۲/۲).

۲- اسماعیلی، نگا: فتح الباری ۴۶۳/۶.

پس همانطور که گذشت نشأت و آغاز این آب مبارک و شریف در حرم پر از امن و امان الهی به واسطه فرشته‌ای از فرشتگان خدای مهربان به وجود آمد، و چه آب پربرکتی را در شهر مبارک به وجود آورد.

و زندگی مردم در مکه بر آب زمزم پا می‌گرفت و سال‌های زیاد و مدت طولانی عمران و آباد گشته است. بعد از آن خداوند خواست که نشانه‌ها و علائم زمزم از بین برود و جای آن بر مردم پنهان و پوشیده گردد تا اینکه خداوند خواست و مقدر نمود تا بار دیگر این آب مبارک و پر از خیر و برکت بر دستان عبدالمطلب پدربزرگ پیامبر اسلام ﷺ جاری و جریان یابد، و او بعد از بین رفتن نشانه‌های آن بار دیگر آنرا حفر نمود.

و نصوص شرعی که بر فضیلت این آب دلالت می‌نمایند وارد گشته‌اند و به فضل و خیر و برکت این آب دلالت دارند. از جمله نصوص وارده در این زمینه عبارتند از:

### الف: شستن سینه پیامبر ﷺ با آب زمزم:

از امور دلالت کننده بر فضل آب زمزم اینکه خداوند این آب را برای شستن سینه پیامبر ﷺ قبل از اسراء و معراج برای ملاقات و حضور خویش انتخاب و بر گزیده است، بخاری از ابوذر رضی الله عنه نقل می‌کند که: پیامبر ﷺ



فرمود: «سقف اتاقی که در آن بودم شکافته شد، من در مکه بودم، جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ فرود آمد و سینه‌ام را شکافت و بعد، آن را با آب زمزم شست، سپس طشت طلائی پر از حکمت و ایمان را آورد و آنرا در سینه‌ام خالی کرد و آنرا بست، سپس دستم را گرفت و به آسمان دنیا عروج کرد ... تا آخر حدیث<sup>۱</sup>.

### ب: زمزم خوراک لذیذ و شفای بیماری است:

زمزم به اذن خداوند غذایی پاک و با برکت و شفایی سودمند است. مسلم از عبدالله بن الصامت از ابوذر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در قصه اسلام آوردن او روایت می‌کند، و در این روایت ذکر گردیده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به ابوذر گفت: «از چه وقت اینجا (مکه) بوده‌اید، می‌گویند: گفتم: حدود سی و یک بین شب و روز، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گفت: چه کسی شما را خوراک می‌داد؟ گفتم: جز آب زمزم ما را خوراکی نبوده است، و فربه شدم تا اینکه شکمم لایه لایه بر روی هم سوار شد و احساس ضعف و لاغری نکردم، رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: آب زمزم پربرکت و غذایی گوارا است<sup>۲</sup>.

طبرانی در معجم الکبیر از ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا نقل می‌نماید که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خیر ماء علی وجه الأرض ماء زمزم، فیه طعام من الطعم وشفاء من

۱ - بخاری (۴۹۲/۳).

۲ - مسلم (۱۹۱۹/۴).

السقم»<sup>۱</sup>.

بهترین آب بر روی زمین آب زمزم است، و خوراک خوش طعم و گوارا و شفاء از بیماری در آن یافت می شود.

و ازرقی از مجاهد روایت کرده است که مجاهد گفت: آب زمزم به هر نیتی نوشیده شود به کار آید: اگر برای رفع بیماری نوشیده گردد خداوند شما را شفاء دهد، و اگر برای رفع تشنگی نوشیده شود خداوند شما را سیراب نماید، و اگر برای رفع گرسنگی نوشیده گردد خداوند تو را سیر نماید، چون نتیجه زدن جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام با پایش به زمین می باشد، و سیراب کردن اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام از طرف خداوند است.<sup>۲</sup>

امام ابن قیم (الجوزیه) می گوید: من و دیگران از استشفاء به آب زمزم امور عجیبی را تجربه کرده ایم، و از بیماریهای زیادی به آن جویای شفاء شدم، به اذن و خواست خداوند بهبودی یافته ام، و مشاهده نموده ام که افرادی مدت زیادی در حدود نیم ماه و یا بیشتر از آن تغذیه کرده اند و احساس گرسنگی نکرده اند، و همچون سایر مردم هم به طواف و (انجام کارهای خود) پرداخته اند.<sup>۳</sup>

۱- معجم الطبرانی الکبیر (۹۸/۱۱) شماره (۱۱۱۶۸) و آلبانی آن را در سلسله صحیح خود ۴۵/۳ آورده است.

۲- اخبار مکه (۵۰/۲) با سند صحیح تا مجاهد.

۳- زاد العماد (۴۰۶/۳)

**ج: آب زمزم بهترین آب و چاه آن بهترین چاهها:**

همانطور که قبلاً هم مطرح شد به مفاد حدیث ابن عباس رضی الله عنهما: «خیر ماء علی وجه الأرض ماء زمزم ... تا آخر حدیث». آب و چاه زمزم بهترین آب و چاه بر روی زمین می‌باشند. و بدانیم این آب با اینکه آب مبارکی است مانعی در وضو گرفتن و غسل نمودن و لباس شستن با آن وجود ندارد<sup>۱</sup>.

**د: مشروعیت (تضلع) پر کردن شکم از آن و سیراب گشتن از آب****زمزم:**

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ آيَةَ مَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْمُنَافِقِينَ أَنَّهُمْ لَا يَتَضَلَعُونَ مِنْ مَاءِ زَمْزَمٍ»<sup>۲</sup>.  
 نشانه تفاوت ما با منافقین در این است که آنان از آب زمزم تضلع نمی‌نمایند.

شیخ محمد بن عثیمین رحمته الله می‌گوید: زیرا آب زمزم گوارا و شیرین نیست، بلکه به شوری می‌گراید، و انسان مؤمن از این آب متمایل به شوری

۱- مجموع فتاوی ابن باز (۲۳۰/۱۷)

۲- ابن ماجه در کتاب مناسک، حدیث: (۳۰۶۱)، (۱۰۱۷/۲)، و حاکم در مستدرک (۴۷۳/۱)، و بیهقی در سنن الکبری (۱۴۷/۵)، والطیالسی و غیر آنها. البوصیری در کتاب: المصباح ذکر نموده است.

نمی‌نوشد مگر اینکه ایمان داشته باشد که در آن برکت و شفاء است، پس پر نمودن شکم از آن و سیراب گشتن از آن دلالت بر ایمان نوشنده آن می‌نماید.<sup>۱</sup>

به موجب اثر وارد از عائشه رضی الله عنها که او آب زمزم را به خارج از مکه حمل می‌نمود و می‌گفت که پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را انجام می‌داد، لذا نقل آن به بیرون از مکه اشکالی و ایرادی ندارد.<sup>۲</sup>

#### ۸ - عرفات. منی. مزدلفه:

از جمله مکانهای عالی و بزرگی که در مکه و اطراف آن واقع شده است مکان مناسک‌هایی است که خداوند در انجام فریضه حج رفتن به آن را دستور داده: عرفات و منی و مزدلفه می‌باشد.

ناگفته نماند در میان مکانهای سه‌گانه فوق عرفه در محدوده حرم واقع نیست.

و نصوص فراوانی وجود دارند که به این مکانها اشاره نموده، و یا فضیلت آنها را بیان می‌نمایند، و یا درباره اعمال و عبادات و مناسک در آنها

۱- الشرح الممتع (۳۷۹/۷).

۲- ترمذی در کتاب الحج حدیث (۹۶۳)، (۲۸۶/۳) و گفته این حدیث حسن غریب است. بخاری در التاریخ الکبیر (۱۸۹/۳). و بیهقی در سنن الکبری (۲۰۲/۵). و آلبانی در سلسله صحیحہ حدیث: (۸۸۳)، (۵۷۲/۲).

بحث می‌نماید که می‌توان به آیات و روایات زیر استناد جست.

خداوند می‌فرماید: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ثُمَّ أَفِيضُوا مِّنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾. [البقره: ۱۹۸، ۱۹۹].

گناهی بر شما نیست اینکه از فضل خداوند طلب کنید و هنگامیکه از عرفات روان شدید خدا را در نزد مشعرالحرام یاد کنید و همانگونه که شما را رهنمون کرده است خدای را یاد کنید اگرچه پیش از آن جزو گمراهان بودید \* سپس از همانجا که مردم روان می‌شوند روان شوید و از خداوند آمرزش بخواهید که بیگمان خداوند آمرزنده و مهربان است.

در این آیه‌ها به ذکر عرفات در عبارت: ﴿مِّنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾ و به ذکر مزدلفه در گفته خداوند: ﴿الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾ تصریح شده است. مشعر الحرام میان دو کوه مزدلفه از تنگه‌های عرفه تا وادی مُحَسَّرْ ادامه دارد.<sup>۱</sup>

ابن کثیر رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: (... گویا خداوند به کسی که در عرفات وقوف می‌نماید) امر نموده است که به طرف مزدلفه پیش رود تا در مشعر الحرام در

۱- تفسیر طبری (۱/۱۹۹)

همین جا خدا را یاد نماید، و به او دستور داده است تا وقوف وی همراه با اکثریت مردم در عرفات باشد، همچنانکه اکثریت مردم چنین می‌کنند و در عرفات وقوف می‌نمایند، جزء قریش که از حرم بیرون نمی‌رفتند و در انتها و گوشه حرم می‌ایستادند، و می‌گفتند: ما اهل خداوند در شهر او می‌باشیم و ساکنین بیت او می‌باشیم.

بخاری از عائشه رضی الله عنها روایت کرده: که قریش و افراد تحت سلطه آنان در مزدلفه وقوف می‌نمودند، و خود را با غیرت و وفادار به بیت می‌نامیدند، و سایر قوم عرب در عرفات وقوف می‌نمودند، زمانیکه اسلام ظهور کرد خداوند به فرستاده‌اش (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد تا به عرفات آمده و در آنجا وقوف نماید سپس از آن روان شود، آنهم این آیه می‌باشد: ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾<sup>۱</sup>.

و ابن عباس، مجاهد، عطاء، قتاده، سُدّی، و دیگران هم آنرا روایت کرده‌اند، و ابن جریر آنرا اختیار کرده است و انعقاد اجماع را برای آن ذکر نموده است.<sup>۲</sup>

۱- بخاری: کتاب تفسیر باب قول الله تعالی: ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾ (۱۸۶/۸)

۲- تفسیر ابن کثیر (۲۴۲/۱) با بعضی تصرف.

و در دو آیه زیر به منی و احکام مربوط به آن پرداخته می‌شود.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ

فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى﴾. [البقره: ۲۰۳].

و خدا را در روزهای معینی یاد کنید! (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی حجه). و هر کس شتاب کند، (و ذکر خدا را) در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، و هر که تاخیر کند، (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست؛ برای کسی که تقوا پیشه کند.

و در سوره حج نیز می‌فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ

كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾ لِيَشْهَدُوا مَنَفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا

أَسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنَ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ﴾. [الحج: ۲۷-۲۸].

به مردم اعلان کن که پیاده، یا سواره بر شتران باریک اندام که راههای فراخ و دور را طی کنند و به حج بیایند و ندای تو را پاسخ دهند\* تا منافع خویش را با چشم خود ببینند، و نام خدا را در ایام معینی (که از دهم ذی الحجه شروع و به سیزدهم پایان می‌یابد) بر چهارپایانی که به آنها روزی داده است (به هنگام ذبح) ببرند.

این دو آیه فوق به (صحرای) منی اشاره می‌نمایند و منظور از ایام

معدودات نیز ایام التشریق در منی می‌باشد، و قرطبی گوید: (از اینکه ایام معدودات ایام‌های منی یعنی ایام التشریق باشد میان علماء، هیچ اختلافی وجود ندارد...)'.<sup>۱</sup> اما ایام معلومات ایام منی و ایام غیر آن را نیز در بر می‌گیرد. و طبری رحمته الله می‌گوید: به نظر عده‌ای از اهل تأویل (تفسیر) ایام تشریق می‌باشد، و عده‌ای دیگر هم به ایام عشر (ده روز ذی‌الحجه) از آن تفسیر نموده‌اند، و به نظر برخی دیگر از مفسرین روز نحر (قربانی) و ایام تشریق است.<sup>۲</sup>

و روایت منقول از ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: (هفتاد پیامبر در مسجد خیف نماز اقامه نموده‌اند) که متعلق به (صحرای) منی است.<sup>۳</sup>

و در روایتی از عبدالرحمن بن یعمر الدیلی رضی الله عنه به تمام مکانهای مذکور اشاره شده است که می‌گوید: (مردمی از اهل نجد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در عرفه آمدند و از او سؤال کردند؟ و او به جارچی دستور داد جار و ندا دهد که حج همان عرفه است، هر کسی قبل از طلوع فجر شب جمع (مزدلفه) در

۱- تفسیر الجامع لأحكام القرآن: (۳/۲).

۲- تفسیر طبری (۱۳۸/۹).

۳- طبرانی در معجم الکبیر (۱۵۵/۳) و در معجم الأوسط (۱۱۹/۱) و ازرقی در أخبار مکه ص (۳۵، ۳۸)، همچنانکه منذری گفته اسناد آن حسن است (۱۱۶/۲)، و آلبانی در کتاب: تحذیر الساجد ص (۱۰۶) و آنرا در ردیف حدیث حسن ذکر کرده است.



عرفه حضور یابد حج را یافته است، ایام منی سه روز است هر کس هم عجله ورزد و در دو روز آنرا انجام دهد گناهی بر او نیست، و هر کسی هم بیش از دو روز (یعنی سه روز) بماند گناهی بر او نیست<sup>۱</sup>.

و از پیامبر ﷺ روایت شده است: «كَلَّ عَرَفَةَ مَوْقِفًا وَكَلَّ مِنِّي مَنَحْرًا، وَكَلَّ مَزْدَلِفَةَ مَوْقِفًا، وَكَلَّ فِجَاجَ مَكَّةَ طَرِيقًا وَمَنَحْرًا».

تمام نقاط عرفه جای وقوف است، و تمام نقاط منی محل نحر و قربانی است، میان تمام درّه و کوههای مکه فراخ و قربانگاه است<sup>۲</sup>.

اینها برخی نصوص قولی در خصوص این مکان، محل انجام نسک و رفتن به آنها جهت ادای اعمال مشروع حج می‌باشند که به طور آشکاری عمل پیامبر ﷺ در حج را توضیح می‌دهند، به طوری که بیان می‌کنند پیامبر ﷺ به آن مکان‌ها رفته و ذکر خداوند را در آنها نموده است، و مناسک را در آن مکان‌ها به جای آورده است، و بعد از آن به یاران خویش اعلام نموده

۱- ترمذی حدیث شماره (۸۸۹) کتاب حج باب: فیمن أدرك الإمام یجمع فقد أدرك الحج، ولفظ حدیث از آن اوست. ابوداود شماره (۱۹۴۹) کتاب مناسک، باب من لم یدرک عرفه. ونسائی (۲۶۴/۵) کتاب حج، باب فیمن لم یدرک صلاه الصبح مع الإمام بمزدلفه. وابن ماجه (۳۰۱۵) کتاب مناسک، باب من أتى عرفه قبل الفجر ليله جمع. و سند آن صحیح است.

۲- ابوداود (۱۹۳۶) کتاب مناسک، باب الصلاه بجمع، ولفظ حدیث از آن اوست. وابن ماجه (۳۰۴۸) کتاب مناسک، باب الذبح.

(خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكُكُمْ)<sup>۱</sup> مناسک حج خود را از من بیاموزید. و این عملی بر فضل و تجلیل خداوند از این اماکن مبارک دلالت می‌نماید.

---

۱- مسلم شماره (۱۲۹۷) کتاب الحج، باب استحباب رمی جمره العقبه يوم النحر، با لفظ: «لَتَأْخُذُوا عَنِّي مَنَاسِكُكُمْ» و نسائی (۲۷۰/۵) کتاب الحج، باب الركوب إلى الجمار و لفظ حدیث از آن اوست.

## فصل سوم:

## تجلیل (البلد الحرام) شهر مبارک میان مشروع و ممنوع:

مسلمانانی که سرزمین محل سکونت آنان از شهر مکه دور می‌باشد برای رؤیت کعبه شوق و اشتیاق می‌نمایند، و آرزو دارند که فرصت برایشان مهیا گردد و به مکه بیایند و بیت العتیق خدا را طواف کنند و چند روزی در آن بمانند، و برخی‌ها هر گاه تصویر کعبه را ببیند از شوق گریه کند و قلب وی از سوز گداز و عشق بی‌تاب گردد، و هر گاه با فردی که کعبه را دیده باشد بر خورد نماید چشمهایش را ببوسد و بسیار با آن مسرور گردد. آیا این مسائل مقیم و ساکن شهر مکه مبارک را وادار نمی‌نماید تا اینکه متنی را که خداوند بر آنان نهاده و نعمتی را که بسیاری آنرا آروز نموده ولی از داشتن آن محروم‌اند و بر آنان ارزانی داشته است دریابند؟

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چون از مکه بیرون گردیده شد با حالت ناراحتی می‌گفت: «والله إنك لخیر أرض الله وأحب أرض الله إلى الله ولولا أني أُخرجت منك ما خرجت»<sup>۱</sup>.

«سوگند به خدا تو (ای مکه) بهترین سرزمین خدایی، محبوب‌ترین

۱- در صفحه (۵۶) از آن بحث شد.

سرزمین نزد خدایی، و اگر مرا از تو بیرون نمی‌کردند بیرون نمی‌رفتم». پس چه نعمتی فراتر از اینکه کسی در سرزمین مکه پا به عرصه وجود گذاشته باشد، و از چشمه زمزمه آن نوشیده و در آن پرورش و رشد یافته باشد، و زندگی خویش را در آن به سر برده باشد و کسی وی را بیرون ننماید و ستمگری از سکنی گزیدن وی در آن منعی ایجاد ننماید.

سلف صالح حرمت این بیت را ارج می‌نهادند، و در درون خویش بسیار تجلیل می‌کردند، حتی برخی از آنان به خاطر هراس از وقوع در گناه از سکنی گزیدن در مکه در فشار و حرج می‌بودند، و ابن رجب می‌گوید: (گروهی از صحابه به علت ترس از ارتکاب گناه در حرم از سکونت در آن خودداری می‌کردند).

گفته است از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت گشته است که می‌گفت: اگر در غیر مکه هفتاد گناه انجام دهم بهتر و محبوب‌تر است نزد من از اینکه یک گناه در مکه مرتکب گردم)!

و چگونه بنده واقع در گناه در مکه شهر مبارکه بلد الحرام نترسد و در حالیکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدَقَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾.  
[الحج: ۲۵].

و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم!

و کسی که در حرم الحاد ورزد جرم وی بزرگ و عاقبت وی وخیم و شقاوت است، از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «أبغض الناس إلى الله ثلاثة: ملحد في الحرم، ومبتغ في الإسلام سنة الجاهلية، ومطلب دم امرئ بغير حق ليهريق دمه»<sup>۱</sup>.

(مبغوض‌ترین و منفورترین مردم نزد خداوند سه نفر می‌باشند ۱- کسی که در حرم الحاد ورزد. ۲- کسی که در اسلام روش جاهلیت را دنبال نماید. ۳- خونخواهی که به ناحق خون کسی را بریزد).

و ابن مسعود رضی الله عنه در توضیح آیه فوق می‌فرماید: اگر فردی تصمیم به انجام گناه و الحاد در حرم نماید گرچه در (شهر) عدن (در کشور یمن) باشد خداوند عذاب دردناک را به او خواهد چشانید<sup>۲</sup>.

ابن کثیر رحمته الله بعد از ذکر آثار وارده از سلف در معنی و تفسیر آیه الحاد می‌فرماید: (این آثار گرچه دلالت می‌نمایند که این اشیاء جزء الحاد می‌باشند اما الحاد از اینها عام و فراتر است بلکه اینها دلالت دارند به اینکه الحاد از

۱- بخاری، کتاب الديات، باب من طلب دم امرئ بغير حق، حدیث شماره (۶۸۸۲).

۲- مستدرک، حاکم (۳۸۸۲/۲) حاکم گوید: این حدیث بر شرط شیخین (بخاری و مسلم) است ولی آنرا روایت نکرده‌اند، و ذهبی آنرا صحیح دانسته است.

اینها شدیدتر است و لذا اصحاب الفیل چون تصمیم بر تخریب بیت گرفتند خداوند پرندگان ابابیل را بر آنان فرستاد و با سنگ ریزه‌هایی آنان را سنگ باران نمودند و آنان همچون گاه خورد شده گرداند و آنان را نابود و پند و عبرتی شدند برای کسانی که اراده سوء نیت به مکه نمایند.

شگفت اینکه مردم جاهلی به تعظیم بلد الحرام می‌پرداختند و حقوق آنرا رعایت می‌نمودند و جایگاه رفیع آنرا درک می‌نمودند، اینکه شما خواننده عزیز را به نمونه‌هایی از تجلیل مردم جاهلی از مکه معظمه فرامی‌خوانیم:

یا قوت حموی می‌گوید: حرب بن امیه گفته است: که او حضرمی را به آمدن و سکونت در مکه فرا خواند و حضرمی با بنی نفاثه هم پیمان شده بودند، و آنان نیز از هم پیمانان حرب بن امیه بودند، و حضرمی خواست که بیرون از حرم فرود آید و کنیه وی ابامطر بود، و حرب با سروده‌ای او را به داخل شهر مکه دعوت می‌نماید.

أبا مَطَرٍ هَلُمَّ إِلَى الصَّلَاحِ      فَيَكْفِيكَ النَّدَامَى مِنْ قَرِيشِ  
وَتَنْزِلِ بَلَدَةَ عَزَّتْ قَدِيماً      وَتَأْمِنُ أَنْ يَزُورَكَ رَبُّ جِيْشِ  
فَتَأْمِنُ وَسَطَهُمْ وَتَعِيشَ فِيهِمْ      أبا مَطَرٍ هُدَيْتَ بِخَيْرِ عَيْشِ

۱- ای ابومطر به سوی درستی و مصلحت بشتاب \*همنشینی با قریش

تو را بس است.

۲- در شهری فرود می آیی که از قدیم عزت مند بوده است\* و اینکه صاحب لشکری تو را زیارت کند امان می یابی.

۳- در میان آنان امنیت می یابی و در میانشان زندگی می نمائید\* ای ابامطر تو به بهترین زندگی دست یافته ای  
ببینید که چگونه او را امان می دهد اگر به مکه بیاید.

و از جلوه های تجلیل آن برای بیت اینکه هنگامی خواستند خانه کعبه را تجدید بنا نمایند بر پاک بودن و حلال بودن هزینه و مواد ساخت آن دقت شدید به کار بردند، ابن اسحاق در سیره روایت می کند که ابووهب ابن عمرو به قریش گفت جز کسب و درآمد پاک و حلال چیزی در آن وارد و صرف نمائید و مهریه زن بدکار (زانیه) و معامله ربا و مال مغضوب و به ظلم گرفته شده مردم را در آن وارد ننمائید<sup>۱</sup>.

و به همین سبب در ساختن بیت با کمبود هزینه مواجه گشتند کما اینکه پیامبر ﷺ به عائشه رضی الله عنها گفت: (قوم تو در ساخت کعبه هزینه کم

---

۱- سیره ابن هشام (۲۲۰/۱)، السیر والمغازی ص ۱۰۴، تاریخ طبری (۲/۲۸۷) و آنرا به ابن هشام نسبت داده، و او هم به عائذ بن عمران بن مخزوم.

آوردند)<sup>۱</sup> که از طرف حجر از قواعد ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام کم کردند. و از دیگر مظاهر و جلوه‌های تجلیل مکه و حرم آن نزد قریش در زمان جاهلیت اینکه آنان بر تمام عرب فرض و اجبار نموده بودند اینکه توشه‌ها و لباس‌های غیر حرم را هنگام دخول به حرم دور اندازند و لباس غیر حرم را درآورده با خریدن یا امانت و یا به صورت بخشش لباس حرم به دست آورند و آنرا بپوشند و اگر نیافتند با حالت عریان و لخت بیت را طواف نمایند.<sup>۲</sup>

و این هم زنی در جاهلیت با سرودن سروده‌ای پسرش را به تقدیس و تجلیل حرمت حرم توصیه می‌نماید و می‌گوید:

أَبْنِيَّ لَا تَظْلَمُ بِمَكَّةَ لَا الصَّغِيرَ وَلَا الْكَبِيرَ

پسرم در مکه مرتکب ظلم و گناه صغیره یا کبیره مشو.

أَبْنِيَّ مَنْ يَظْلَمُ بِمَكَّةَ يَلْقَ آفَاتَ الشَّرِّ

پسرم کسی که در مکه مرتکب ظلم و ستم گردد به مکافات بدی نایل می‌گردد.

۱- بخاری با فتح الباری (۵۳۹/۳)

۲- منبع سابق (۲۱۴/۵) واصل این سخن از گفتار عروه بن الزبیر است. نگا صحیح بخاری: کتاب الحج، باب الوقوف بعرفه شماره (۱۶۶۵).



ابنِیَّ قد جربتھا فوجدت ظالمھا یبور<sup>۱</sup>

پسرم من تجربه کرده‌ام هر که در مکه ظلم نماید خوار و ذلیل می‌گردد. و یکی دیگر از تجلیل جاهلیت برای خانه خدا اینکه اگر فردی قاتل پدر خود را در آن می‌دید از او انتقام نمی‌گرفت و او را مورد آزار قرار نمی‌داد. قرطبی رحمته الله می‌گوید: (در جاهلیت هر کسی به مکه وارد می‌شد و به آن پناه می‌جست از غارت و قتل در امان قرار می‌گرفت)<sup>۲</sup>.

پس اگر حالت مردم جاهلی در تجلیل بیت چنین باشد بسی جای تعجب اینکه بسیاری از مسلمانان امروزی با حقوق و آداب مکه ناآشنا می‌باشند، و عظمت و تجلیل آن در دلشان خفیف و سبک می‌نماید، و در آن به چیزهایی مرتکب می‌شوند که نباید از تجلیل کننده و تعظیم کننده بزرگترین بارگاه روی زمین صادر شود.

و با اینکه می‌بینیم پیامبر صلی الله علیه و آله بر پاک نمودن مکه از شرک و معاصی و پلیدیها و زشتیها حرص می‌ورزید. برخی مردم امروزی همچون مردم جاهلیت به انجام اعمالی مرتکب شده‌اند که با تجلیل واجب بر آنان منافات دارد، و

۱- گوینده این ابیات سیبویه دختر الأحب می‌باشد که به پسرش خالد بن عبد مناف تذکر می‌دهد و او را از ظلم و عصیان درمکه نهی می‌نماید، و آن قصیده درازی است، نگاه: سیره ابن هشام: (۲۵/۱). البدایه والنهایه (۱۲۶/۳).

۲- الجامع لأحكام القرآن (۹۱/۴).

به انجام افعال منکری می‌پردازند که در زیر برخی از آنها را ذکر می‌نمائیم. عبادت برای غیر خدا، مانند ذبح هنگام ساختن ساختمانها به نیت حفاظت از شر جن، رفتن نزد ساحران و شعبده‌بازها، و ترک نماز، و یا کوتاهی کردن در ادای آن، و برگزاری جشن‌ها و احیای شب‌های رسمی غیر مشروع به قصد تقرب‌جویی به خداوند، و تجلیل از برخی مکانها و غارها و چاهها که در شرع دلیلی بر تقدیس آنها یافت نمی‌شود، و ارتکاب فواحش و نوشیدن مسکرات، و روی آوری به مخدرات و معامله محرماتی مانند نوارهای ویدئوی مبتذل و ترانه‌های حرام یا چیزهایی که انسان را به سوی فساد و حرام می‌کشاند مانند ماهواره‌های فضائی و شب‌نشینی‌های بد از گناه با دوستان ناباب و دیگر موارد ناشایست که انجام دادن آن در هیچ مکانی برای مسلمانان سزاوار نیست چه برسد به اینکه مسلمانان در مکه مکرمه به آن مرتکب شوند.

و از حالت توهین‌کننده حرمت این مکان در شگفتم که چگونه به آن جسارت نموده است در حالیکه بدی در حرم خداوند و شهر او و بر سفره او بزرگ‌تر از سایر نقاط زمین است<sup>۱</sup>.

لذا مسئولیت ساکنین مکه مکرمه بیشتر و بزرگتر است، و تبعیت و

۱- زاد المعاد (۵۱/۱).

آراستن آنها به الگوی حسنه سزاوتر است، و می‌بایست که به حال مطالعه احوال سلف صالح پردازند که چگونه تجلیل از آنها رعایت می‌نمودند، و تجلیل آنها از تقوای درون می‌دانستند.

همچنانکه قرآن می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمَ شَعْبِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: ۳۲].

و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد و (به نشانه‌های آئین خدا و پرچمهای اطاعت او) احترام بگذارد، این کار از نشانه تقوای دلهاست.

شیخ ابن سعدی رحمته الله می‌گوید (تجلیل مراسم و برنامه الهی ناشی از پرهیزگاری قلبهاست، کسی که آنها را بزرگ می‌دارد نشانگر آراستگی و تزئین وی به ایمان و تقواست، زیرا بزرگ داشتن آنها بزرگ داشت و تجلیل خداوند را دنبال می‌کشد).

تحقیق و شناخت از سلف در تجلیل و بزرگ داشت آنچه خداوند بزرگ داشته است ما را به تاسی و الگوی از آنها و سیر و سلوک روش آنان فرا می‌خواند.

و بزرگ داشت حرم الهی چنین نیست که به انجام مسائل صوری و ظاهری پرداخته که شرع الهی به آن اجازه نداده باشد و سلف صالح هم آنها

انجام نداده باشند.

امروزه برخی باورهای باطل و عادات مخالف با شریعت میان عامه مردم یافت می‌شود که سبب روی آوری آنان به عبادات غیرمجاز گشته است و با آن اعمال بدعتی به گمان خود به سوی خداوند تقرب می‌جویند، و شما خواننده عزیز را به صورتهایی از تجلیل غیرشرعی بیت الحرام که برخی از مسلمانان به انجام آن می‌پردازند فرا می‌خوانیم که عبارتند از:

۱- آهنگ به برخی اماکن همچون غار ثور، کوه عرفات (جبل الرحمه)، و مکانی که گویند پیامبر ﷺ در آن پا به عرصه وجود نهاده است جهت اقامه نماز و دعاء و تبرک جستن<sup>۱</sup>.

۱- تعیین مکانی که پیامبر در آن تولد یافته است، اساس درست و قابل اعتمادی ندارد، و اولین کسی که آنرا تعیین نمود ابن اسحاق بود و اهل سیر نیز از وی تبعیت کردند به نقل از طبری در تاریخ ۴۵۳/۱. طبری می‌گوید: ابن حمید از سلمه برای ما نقل نمود که ابن اسحاق گفته است: رسول الله عام الفیل روز دوشنبه، ۱۲ ربیع الاول متولد شده، و گفته شده است: او در خانه‌ای موسوم به خانه ابن یوسف به دنیا آمد، این نص مُنْکَر است، زیرا حمید (راوی حدیث) که همان یعقوب بن حمید بن کاسب باشد حدیث او مُنْکَر است، و او دارای روایت‌های مُنْکَر می‌باشد. نگاه: الکاشف: (۲۶۱/۳)، و سلمه نیز ابن رجاء التمیمی است که ابن معین حدیث او را قابل اعتماد ندانسته است، و ابن عدی در مورد وی گفته است، او (سلمه) حدیثهایی روایت کرده است قابل تتابع نیستند. نگاه: الکاشف (۳۸۳/۱) و ابن اسحاق راستگوست، اما وی احادیث بدون اسناد ذکر کرده است، و آنرا با صیغه تمریضی ذکر کرده است که بیانگر این است که حدیث نزد وی ثابت نشده است، و لذا تعدادی از علماء این تعیین [محل تولد پیامبر] را مُنْکَر شده‌اند، و اختلافاتی را در این زمینه وارد ساخته‌اند که آیا در مکه، و یا ابواء و یا عسفان و یا در ردم به دنیا آمده است، و اگر در مکه =

= بوده است آیا در شعب و یا، محصب و یا جای دیگر بوده است ... تا آخر آنچه ذکر کرده‌اند که مسأله تحدید مکان تولد پیامبر ﷺ موجب ضعف و انکار بیشتر می‌شود

برای تفصیل آن می‌توان به: سبل الهدی والرشاد، الصالحی (۳۷/۱) که از وسعیت‌ترین منابع در سیره است. و همچنین از کسانی که آنرا انکار کرده‌اند العیاشی المغربی (وفات: ۱۰۹۱هـ) در سفر مشهورش به مکه (۲۲۵/۱) بعد از ذکر کردن اختلافات کتابهای سیره در تحدید مکان تولد پیامبر ﷺ می‌گوید: (عجب آنجاست که در آن خانه مکانی را به مقدار خوابیدن یک نفر تعیین کرده‌اند و آنرا مکان تولد پیامبر ﷺ نامیده‌اند! و به نظر من خیلی دور است که این تعیین چه از طریق صحیح و چه از طریق ضعیف درست باشد، چون در تولد آنحضرت ﷺ اختلاف است که او در مکه تولد شده یا در خارج مکه. سپس ﷺ می‌گوید: این تعیین خیلی دور به نظر می‌رسد آنهم با مرور زمانها و سالهای پی در پی و از بین رفتن آثار آن، و وقوع تولد در زمان جاهلیت، و هیچ کس هم مکان تولد را حفظ نمی‌کرده است، آنهم بدون آنکه از آن فایده‌ای برده شود، چون در زمان جاهلیت بوده و هنوز از اینکه محمد ﷺ مبعوث خواهد شد هیچ خبری نبوده، و بعد از آمدن اسلام هم از صحابه و تابعین به ما رسیده که به چنین چیزی هیچ اعتنایی نداشته‌اند، زیرا هیچ عمل شرعی و دینی به آن تعلق نمی‌گرفته است، و آنها به چیزی مهمتر از این با زبان و شمشیر و دور کردن آنچه مخالف اسلام است اعتناء می‌کردند، این همان سبب بوده که بسیاری از رویدادهای و اماکن اسلامی از دید پنهان شود. ... تا آخر آنچه گفته است.

و همچنین امام ابن عبدالسلام الدرعی المغربی نیز در دو سفر مشهورش سخنان العیاشی را مورد تأکید قرار داده است. نگا: تلخیص المؤرخ، (ص ۱۳۸) حمد الجاسر ﷺ. و همچنین حمد الجاسر با تأکید بر این قول می‌گوید: (این اختلاف در مکان تولد پیامبر ﷺ بر این خواهد بود که مکانی که در حال حاضر نزد عامه مردم مشهور به مولد النبی است، بر هیچ اساس تاریخی صحیح نیست). از مجله العرب جلد ۳ و ۴ ص ۱۷ رمضان و شوال سال ۱۴۰۲هـ

ما می‌گوییم: بر فرض ثابت بودن مکان تولد پیامبر ﷺ، بطور کلی جایز نیست که آنرا محلی برای عبادت و تبرک جستن بکار برد، چون خود رسول الله ﷺ این کار را انجام نداده‌اند، و همچنین هیچ یک از صحابه و تابعین و ائمه معتبرین نزد اهل سنت و جماعت این کار را انجام نداده‌اند. و همه خیر در اتباع سلف و نیاکان است، و همه شر در اتباع متبذعین این امت است.

۲- به قصد شفاعت خواهی و توسل و درخواست منزلت شکوه، رفتن به نزد قبرهایی در قبرستان معلا و غیره، و یا فراخوانی صاحبان آن قبرها. این عمل شرک و یا وسیله نیل به شرک است.

در حالیکه خداوند حکیم اهداف و مقاصد زیارت شرعی را در امور زیر محدود و معین ساخته که عبارتند از: دعا برای صاحب قبر، یادآوری مرگ و سرای آخرت، پند و عبرت گرفتن، رقت قلبهای سختی، و جاری شدن اشک از چشمهای بی اشک.

۳- تبرک جستن و استحمام به آبی که کعبه را با آن می‌شویند.

۴- تبرک جستن به پوشش و پارچه‌ای که کعبه را با آن پوشانده‌اند و طلب شفا از آن، با تعدی کردن به آن با قیچی و گرفتن تکه‌ای از آن به عنوان تبرک.

۵- مسح حلقه درهای مسجد الحرام و دیوارهای کعبه و چسباندن صورت و دست‌ها بر آن (در غیر ملتزم)<sup>۱</sup> به نیت تبرک.

۶- اعتقاد به اینکه آب زمزم اگر به شهر دیگری منتقل گردد مزه آن تغییر می‌یابد، و یا اینکه جهت عاقبت به خیری آنرا در دهان میت هنگام احتضار می‌چکانند و یا کفن میت را با آن می‌شویند.

۱- ملتزم میان رکن و باب کعبه می‌باشد.

- ۷- بعد از طواف وداع رو به پشت بیرون آمدن از مسجد الحرام<sup>۱</sup>.
- ۸- و باور به اینکه وقوف در عرفه در روز جمعه برابر است با ۷۲ بار حج رفتن<sup>۲</sup>.
- ۹- اختصاص دعاهایی برای هر بار طواف خانه کعبه و سعی بین صفا و مروه و مقام ابراهیم و هنگام نوشیدن آب زمزم، که دعای خاص در این موارد از پیامبر ﷺ وارد نگشته است.
- ۱۰- اعتقاد به اینکه صرف نگرستن به کعبه عبادت است، و حدیث صحیح در این مورد یافت نمی‌شود، و برخی‌ها در نماز هم بر این باورند و چنین باوری با سنت عملی پیامبر ﷺ مخالفت دارد زیرا پیامبر ﷺ هنگام اقامه نماز سرش را پائین انداخته و به زمین و محل سجده خود چشم می‌دوخت<sup>۳</sup>.
- ۱۱- بوسیدن کناره‌های کعبه و دو رکن یمانی و مقام ابراهیم و دست مالیدن به آنها<sup>۴</sup>.
- ابن جریر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ با سند خود و ازرقی از قتاده در تفسیر آیه: ﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ

۱- نگا: الاختیارات الفقهیه: ابن تیمیه ص (۷۰).

۲- نگا: مناسک الحج والعمرة: آلبنی ص (۵۶).

۳- بیهقی و حاکم و آنرا صحیح دانسته، و آلبنی در صفة صلاه النبی ﷺ ص (۵۳).

۴- نگا: مجموع الفتاوی: ابن تیمیه (۹۷/۳)، (۴۷۶/۱۷)، (۴۷۷)، (۴۸۲).

مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى ﴿البقره: ۱۲۵﴾ روایت نموده‌اند که قتاده گفته است، همانا به نماز خواندن نزد مقام ابراهیم امر شده‌اند و به مسح آن دستور داده نشده‌اند.<sup>۱</sup>

۱۲- در زیر ناودان و آبراهه کعبه دعا نمودن: «اللهم أظلي في ظلك يوم لا ظل إلا ظلك»<sup>۲</sup>.

(خدایا روزی که سایه‌ای جز سایه تو نیست مرا در سایه خود قرا ده.

۱۳- تبرک جستن به بارانی که از کعبه فرود می‌آید.

۱۴- و چیزهایی که بر سر زبان عوام و جاهلان متداول است مثلاً هر کس وارد کعبه گردد نباید دیگر با پای برهنه بر زمین راه رود، و آنچه را که در کعبه دیده است نباید برای دیگران بازگو کند، و نباید به سقف آن بنگرد، و هر کس به سقف کعبه بنگرد کور گردد، و امثال این نوع توهمات و خرافات بی‌اصل و پایه<sup>۳</sup>.

و آنچه سبب پرداختن برخی مردم به این عبادتها و اعتقاد به چیزهای بی‌اساس می‌گردد انتشار احادیث موضوعه و ضعیفه میان آنان است که در

۱- تخریج آن در ص (۱۵۰) گذشت.

۲- نگا: مناسک الحج والعمرة: آلبانی ص (۵۲).

۳- التاريخ القويم لمكة وبيت الله الكريم: محمد طاهر الكردي (۵۵۲/۲، ۵۲۳).



تأیید کردار خود به آن استناد و احتجاج می‌نمایند.

در زیر برخی از این احادیث مکتوب در بعضی کتابها و جاری بر زبانها را ذکر می‌کنیم که نزد علما و حدیث شناس صحیح و مورد استناد نیست.

۱- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: خداوند هر شب و روز صد و بیست رحمت را بر بیت الله الحرام نازل می‌فرماید که شصت رحمت از آنها برای طواف کنندگان و چهل رحمت از آنها برای نمازگزاران و بیست رحمت نیز برای تماشاگران است، این حدیث ضعیفی است<sup>۱</sup>.

۲- هر کس بر گرمای مکه صبر کند خداوند گرمای جهنم را از او دوری دارد، ابو عقیل گفته است: این روایت بوئی از واقعیت را ندارد<sup>۲</sup>.

۳- کم خردان مکه ذخیره بهشت‌اند، بی‌اساس است<sup>۳</sup>.

از حافظ ابن حجر درباره این روایت سؤال شد گفت: آنرا در صحاح (و غیره) نیافته‌ام.

۴- از عائشه رضی الله عنها نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تماشای کعبه

۱- آلبانی در سلسله الاحادیث الضعیفه شماره (۱۸۷، ۱۸۸)، ضعیف الجامع شماره (۱۷۶۰).

۲- نگا: الکشف الالهی: محمد الطرابلسی (۶۷۸/۲).

۳- الأجوبه المهمه، ص (۲۶۵)، نگا: مختصر مقاصد الحسنه، ص (۵۳۱).

عبادت است.<sup>۱</sup>

- ۵- خفته در مکه همچون ایستاده (و بیدار) در غیر مکه است، این بر زبان برخی عوام جاری است و اساس برای وی یافت نمی‌شود.
- ۶- کشتی نوح کعبه را طواف نمود و دو رکعت نماز را به جای آورد.<sup>۲</sup>
- ۷- هر کسی وارد بیت گردد وارد خوبی و نیکی شده است و از عصیان بیرون آمده است.<sup>۳</sup>

و از جمله احادیث غیر صحیح و بی‌زمام و افسار گسیخته می‌توان به حدیث زیر اشاره کرد (هفت بار گرد خانه خدا چرخیدن در آخر هفته گناهان طواف کننده را می‌زداید پس هفت بار طواف گناهان هفت روز را از بین می‌برد و) انجام عمره در آخر هر سال گناهان آن سال را می‌زداید. (هر میتی که با آب زمزم کفن وی شسته شود مورد بخشش قرار می‌گیرد).

علاوه بر اهمیت و دشواری جرم دروغ‌پردازی بر پیامبر ﷺ و فضاحت نشر آن تأثیر این احادیث در گسترش بدعتها و زایل نمودن تجلیل واقعی و مطلوب شرعی از بیت الحرام و جایگزین نمودن باورهای فاسد و اعمال

۱- آلبانی آنرا ضعیف دانسته، ضعیف الجامع شماره (۵۹۹۰).

۲- ابن الجوزی در کتاب: الموضوعات آنرا ذکر نموده است (۱۰۰/۱).

۳- بیهقی در سنن (۱۸۵/۵) و می‌گوید عبدالله بن المؤمل تنها آنرا روایت کرده و او از نظر حفظ قوی نیست، النووی در مجموع (۲۰۸/۸) می‌گوید: این حدیث ضعیف است.

صوری بی محتوا و توخالی، بر کسی پوشیده نیست.

لذا لازم است مسلمان آنچه را خدا و رسولش تجلیل نموده‌اند، او هم آنرا با طرق صحیح و درست آن تجلیل نماید، و از تجلیل آنچه که بر بزرگ داشتن آن امر نشده است از تجاوز بر حریم الهی پرهیز نماید، زیرا صرف ادعای اخلاص و حُسن نیت بدون صداقت در متابعت و حسن موافقت با سنت پیامبر ﷺ کافی و بسنده نیست.

**خاتمه**

بعد از این سیر کوتاه در ذکر فضایل شهر مبارکه مکه و برخی احکام آن و مکانهای عالیّه و حذر از الحاد با بدعت‌گذاری و گناه و منکرات در آن راه‌چاره‌ای نیست جز اینکه برادران مسلمان ساکن این شهر و همسایگان بیت الحرام و حجاج و زائرانی که از هر فراخ و دوری که آهنگ آمدن به آن را می‌نمایند به تدبّر در نصوص دینی و التزام به آداب نبوی و فراگرفتن احکام فقهی مرتبط با این شهر پر امان را فراخوانیم. این شهر، بیت و حرم الهی است که خداوند آنرا تجلیل نموده است و از میان اماکن آنرا با آن احکام و فضایل متمایز ساخته است. پس سعادت‌مند کسی است آن‌طور که شایسته است آنرا اوج نهد، و حرمت آنرا رعایت نماید، و جایگاه و منزلت آنرا حفظ نماید، و بر افزودن طاعات در آن، و اجتناب از گناه و زشتی‌ها حرص ورزد، و به هر فضیلت مشروعی عمل نماید، و هر رذیله ناروایی را ترک و رها نماید.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین  
اللهم صلی وسلم علی محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.